

از قبول این گفتار و در کار داشتن عاملین جوهر غریب عایشه پس از حج از مکه مدینه استماع خبر قتل عثمان در نزد یکی مدینه
و مراجعت بکه بجزه خربزه و خوشنواهی و از مقام از فائز بن عثمان منصوب شدن سهیل بن حنیف بولایت شام و رفتن او تا حوا
شام و استقبال کردن لشکر معاویه و او را اظهار عدم رضایت از خلافت امیر المؤمنین علیه السلام نوشتن قیس بن سعد
عباده بولایت مصر و پذیرفتن مصرها او را منصوب شدن عبداللّه بن عباس بولایت یمن و مغزول شدن یعلی بن مضر
از انبوه بولایت و نقل کردن جنس و نقل انبوه بولایت از دنیا الال بکه مامو شدن عثمان بن حنیف بحکومت بصره و کربخیزن عبداللّه
عالم حاکم سابق بصره مدینه منصوب شدن عمار بن مشام بولایت کوفه و آمدن نا حوالی انبوه بولایت باز گردانیدن طلحه و
قفقاع او را مدینه بعنوان اینکه ابوموسی اهل کوفه را با خود منفی ساختند و در طلب خون عثمانست داخل شدن تو بکوفه
مصلحت نیست درخواست طلحه بولایت بصره را از حضرت امیر المؤمنین و درخواست بولایت کوفه را و بعل بنیامک مسؤل
آنها و رنجیدن و پیر از چند اجازه عمره خواندن و بهر اهل عبدالله بن عامر بکه رفتن بقصد افساد و پوسن بجای
از بنی امیه و عایشه و ملحق شدن یعلی بن مضر با آنها و مظاهر بنا و آنها را بواسطه وجوهی که از دنیا المال بخرن کرده بود
و رفتن آنها با عساکر و تهنیه و همراهی عایشه بصره بجهت مخالفت با امیر المؤمنین و نوشتن ام سلمه و ام الفضل بنت الحارث
ماجرای حضرت امیر المؤمنین و بیرون شدن آنحضرت بقصد بصره و دفع مواد شر و فتنه و مقاله طلحه و زبیر با عثمان بن حنیف
که از جانب امیر المؤمنین علی حکومت بصره داشت رفتن حضرت امام حسن و مالک اشتر بکوفه بجهت استمداد و آمدن
چندین هزار نفر لشکر کوفه بامداد حضرت امیر المؤمنین و پوسن آنها با آنحضرت در موضع بقدر و پوسن عساکر
بن و غیره بقول آنحضرت و آمدن بصره و در گرفتن جنگ معروف جنگ جمل (زیرا که عایشه در این جنگ بر شتر سوار بود)
در موضع خربزه که موضعی است در بصره در دهم جمادی الاخره اینسال و کشته شدن طلحه در این جنگ بتیر مروان حکم
و پیمان شدن زبیر از فراهم آمدن اسباب جنگ با امیر المؤمنین و رفتن او بوادی سباع و کشته شدن در آنجا بدست
عربین هر موز فتح کردن عساکر امیر المؤمنین در جنگ جمل مراجعت عایشه مدینه بحکم امیر المؤمنین و منصوب شدن
عبداللّه بن عباس بولایت بصره عزیمت امیر المؤمنین علیه السلام از بصره بکوفه روز شنبه شانزدهم رجب و ورود بکوفه از
وفایع اینسال بعقده ابن اشتر قصد کردن خوارج است بجهتشان را با بنی مکه یعنی کربل از جنگ جمل حاکم بن عتاب الجعفی
ابن الفضل البرجمی با جمعی پیرو پا بان عرب بجهتشان آمده استقلالی در آنجا بهر سائند مؤلف گوید خوارج بعد از
جنگ صفین پیدا شدند بمرحال امیر المؤمنین عبدالرحمن بن عوف الطائی را بدفع ایشان مامور فرمود آنها او را بکشد
بعد ما آنحضرت بعید اقه بن عباس نوشتند شخصی را بولایت بجهتشان نفرستاد و ربعی بن کاس عنبری را با حصین بن ابی
الحجر عنبری فرستاد تا حاکم را کشتند و ولایت را ضبط کردند رسالت طراح از جانب امیر المؤمنین علیه السلام معاویه
کشته شدن محمد بن حنیفه از دستداران امیر المؤمنین بدست هواخواهان معاویه پس از اسپر شدن بدست
لشکر بکه بهر امر عربین عاص در عرش با اولاد نمودند و او را کوفه بردند بشام و حبس کردند و بعضی گفته اند محمد بن
حنیفه در جنگ صفین زنده بوده است حکومت قیس بن ساعده در مصر فرمان امیر المؤمنین که بعد عزل شد و محمد بن
ابوبکر بجای او بر قرار کردید و او مدینه بازگشت و با خلوص تمام خوراد در صفین بجهد امیر المؤمنین علیه السلام رسانند
و رفتن عمرو بن عاص با عبدالله و محمد پیران او از فلسطین بشام و اتفاق نمودن با معاویه آمدن ابراز پیر مردان ^{خدمت}
امیر المؤمنین بعد از وقوعه جل و اقرار کردن بصلح و فرمان دادن حضرت امیر المؤمنین با و برای حکم انی مروان بخند
و طهمان اهالی ان نواحی بر او فرستادن امیر المؤمنین خلیف بن فرقه با طرفین ابو موسی را بنظم خراسان فرمان امیر المؤمنین

محمد بن عبدالله بجلی که حاکم همدان از جانب عثمان و با شعث بن قیس که او نیز از جانب عثمان حکومت آنرا بر عهده داشت
 بیعت حاضر شد آن دو بکوفه خدمت حضرت و فرستادن جریر با نامه شام نزد معاویه طلب بجهت کردن و ماطله معاویه در حوز
 جریر مشاوره با عمرو و برانگیزیدن عمرو را بجنگ با امیر المؤمنین ^{بن} بغض و طلب خون عثمان و برانگیزانیدن معاویه بر اهل شام را
 بمقالله و مراجعت نمودن جریر بکوفه و اجازت حالت معاویه بر اهل شام و مکانات معتدله که بنیامین امیر المؤمنین علیه السلام
 و معاویه اتفاقاً افتاد ماموش شدن جمعی بر و فرزند سیراری بیج بن خشم غزین امیر المؤمنین ^{بن} شام و مقالله با معاویه و
 فرستادن زیاد بن نضر حارث را با هشت هزار نفر بطور معتدله الجیش و فرستادن شرح بن هانی را بعدها با چهار هزار نفر
 و بجهت کردن از مداین و سعد بن مسعود مخار بن ابی عبیده ثقفی و ابوالمداین نمودن و فرستادن معقل بن قیس با سه
 هزار نفر از راه موصل نامر کردن که چون بر نرسیدند اهالی را بران بردارند که جسر بر بندند که از آن جسر عبور نموده بر راه شام
 بروند سیدان پادین نضر شرح بن هانی بسور الرقوم و ملاقات ابوالاعور سلمی و شوش شام که از جانب معاویه آمده بودند
 و خبر فرستادن با امیر المؤمنین ^{بن} و فرستادن حضرت مالک اشتر را بمعاوضت آن دو و محاربه با شامیان و بازگشت شامیان نزد
 معاویه و حرکت کردن معاویه بالشکر خود و صفین را که در نزدیکی فرات است معسکر خود و در سبک امیر المؤمنین و همراهان
 آنحضرت بصفتین نضرت جیش معاویه پیش از وقت راه شریعه فرات را که در پیکر شریعه در آن نواحی نبود که عساکر امیر المؤمنین
 را سپر میکند و حکم کردن معاویه جماعتی را با ابوالاعور که عساکر امیر المؤمنین علیه السلام را از آب منوع نماید و شستن امیر المؤمنین
 اینفقره را و حکم دادن که مالک و جمعی با مخالفین بر سر آب مقالله کنند و او طلب شدن اشعث بن قیس کندی بمقالله آنها و تا
 کردن و فرستادن معاویه بنزد بن اسد بجلی مشرفی با جماعتی با مدد ابوالاعور و فرستادن امیر المؤمنین ^{بن} شبث بن ربعی را
 را بمعاوضت عساکر خود اشناد تا بهره حرب فرستادن معاویه عمرو بن عاص را بالشکر زبادی بدو ابوالاعور و بنزد بن اسد
 و فرستادن امیر المؤمنین ^{بن} اشتر را با عساکر بسیار اشعث و شیبث و عظیم شدن جنگ تا وقتیکه عساکر امیر المؤمنین
 جلوات را از ششون طرف مقابل خالی کردند و بعد از آنکه شریعه عساکر امیر المؤمنین ^{بن} منصرف شدند آنحضرت را
 بر مخالفین مبدول داشتند فرستادن امیر المؤمنین ^{بن} علی بن ابی طالب و بشیر بن عمرو بن حصن الانصاری و سعد بن قیس
 همدانی و شبث بن ربعی تمامی را نزد معاویه بنیجست و این در اول ذیحجه بود و پذیرفتن معاویه نصیحت آنها را و پس از آن
 دسته شده از جانبین عساکر همدان و جنگ میکردند و هر دو ز ماه ذیحجه بجنگ گذشت و سبب بود که
 بگردن دوم بر جنگ میکردند هم در اینسال حدیقه بن میان قبل از جنگ جل و فانت کرد و سلمان فارسی نیز در کشت
 در سن دو و بیست و پنجاه سالگی و بعضی عمر سلمان را سصد و پنجاه نوشته اند و فانت عبدالله بن سعد بن ابی مروح سر
 عسقلان در حالیکه با معاویه بیرون آمده بود بجزیم صفین و کراهت داشت از اینکار فونت عبدالرحمن بن عداس
 البلوی فانت فدان بن مطعون الجلی فونت عمرو بن بله عمرو بن ضیفه الفهری ابوشاد حکومت بنزد بن حبه بنیجست در ری
 که مفسر و معزول و مجوس شد از مجلس شام نزد معاویه فرار کرد ^{بن} و با معاویه منظمنه

سده هجری

سده هجری

اسیما از وقایع عمده اینسال جنگ صفین است اسامی امراء امیر المؤمنین ^{بن} است از اینفرار بویه سلمان بن صود الخراسانی
 حارث بن ابراهیم عمرو بن الحوق حصین بن المنذر اخف بن قیس نعیم بن هبیر جبار بن دافع بن الشداد ابویوب الانصاری
 ابوالطیب بن الهیثم بن سعید بن عاصم عمرو بن عطار و جنید بن زبیر خالد بن معمر شبث بن ربعی سبک
 قیس عبدالله بن طاهر عمرو بن خطابه قیس بن سعد بن عباده انصاری شداد الوان فاسم بن خطابه قیس الجبلی عمرو بن زبیر

مالات

مالک بن حارث الاشتر الخنقی سعد بن مسعود الثقفی زباید بن النصر شرح بن دانی معقل بن فیس فیض بن شداد عاصم بن
 وابد حارث بن نوفل زبید بن صعصعه بن صوحان عمر بن جبلة اعین بن طعبره ویم بن البیان حسیان بن نمیر حمر بن
 عدی خزاعی بن جابر عمار پاسر که سر کرده جمیع سواران بود و عبدالله بن بدیل بن مدقاع خزاعی که سر کرده جمیع پیاده ها
 بود و اشعث بن فیس که مینه لشکر بود و سپرده شده بود و عبدالله بن عباس که ملسر او را بود و هاشم بن عنبه بن
 ابی قاص که حامل لوای اعظم بود و سرکردگان و سرهنگان معاویه بنتر از انبقرار بودند ضحاک بن قیس ذوالکلاع حمیر
 زفر بن الحارث سفیان بن عمر و مسکن بن خالد بشیر بن اوطاه حارث بن خالد همام بن فبط جو شیبی ظلم حسان بن
 جبلة مالک بن بصره عابد بن زبیر بن بهیره زبید بن اسد طریقی بن خالپس هانی بن عمر محارق بن حارث ثمالی بن
 قیس خزاعی مالک تنفعا بن ازهر عمر بن العاص هلال بن ابی هریره ابوالاعور زبید بن امیر و عبدالله بن العاص که سر کرده
 جمیع سواران بود و مسکن بن عقبه که سر کرده مجموع پیادگان بود و عبدالله بن عمر بن خطاب که بر مینه بود و جبلة
 مسله که ملسر را داشت و عبد الرحمن بن ولید که حامل را بت بود و مقاتله عساکر امیر المؤمنین علی علیه السلام و سپاه معاویه
 بکرات و شجاعتها که از شخص امیر المؤمنین بظهور رسید و رشادت مالک اشتر و غیره کشته شدن عبدالله بن عمر بن
 خطاب بدست یکی از بنی بصره کشته شدن عمار پاسر و مرثیه گفتن امیر المؤمنین برای او شهادت او پس فرزند و خرنمه بن
 ثابت و الشهادتین و عبدالله بن بدیل خزاعی و هاشم بن عنبه بن ابی قاص و ابوالهشیم بن الیهان و یعلی بن مینه کشته
 شدن ذوالکلاع حمیر و جو شیبی ظلم از سرکردگان معاویه تکرار فرار دستها لشکر معاویه قتل و ضعف لشکر
 معاویه با امیر المؤمنین و طلب مصالح کردن و امسند عای حکومت شام و معاف بودن از بیعت با امیر المؤمنین و جواب
 نوشتن آنحضرت و تذکر دادن مسئولان معاویه را آخرین جنگ صفین که در بیل فحال وسیع شده شبان روز در این ناصب بکر
 طرفین بجای به مشغول بودند و چندین هزار نفر از طرفین بقتل رسیدند و مقتولین طرف معاویه باضعاف مضاعف بودند که
 این واقعه بلبله الهی موسوس شد مهتاشدن عساکر امیر المؤمنین علی علیه السلام بعد از واقعه بلبله الهی و مصاحف بر سر
 مسان نمودن شامیان بمقهید و جمله عمر بن عاص و تفریق کله میان عساکر امیر المؤمنین و ابرام بعضی از نادانان امیر المؤمنین
 که باید عونه معاویه را اجابت کرد و این باعث بعد از این معروف و بخوارج شدند مقرر شدن امر بقیعین دو نفر حکم کرد که
 از جانب امیر المؤمنین باشد و یکی از جانب معاویه و خلافت را فصول دهند و بعد هار در وقت الحجد که موضعی است
 در میان عراق و شام درین باب گفتگو کنند و جمع کثیری همراهی این دو مامور شدند مصالحه کردن طرفین و باز گشت
 امیر المؤمنین بکوفه و معاویه بشام و در ایام غیبت امیر المؤمنین از کوفه ابو مسعود انصاری در این باب گفتگو
 آنحضرت بجمع شدن حکیم و همراهان آنها در دو منزل الحجد و فریب دادن عمر بن عاص ابو موسی را و اختلافین
 مردم حکومت مالک اشتر در ولایت جزیره و مقاتله با ضحاک بن قیس که از جانب معاویه در آنجا بود و غلبه مالک با وجود
 ککلی که معاویه برای ضحاک فرستاده بود و رفتن مالک بتخریق و قهر و استیلا ی او و این واقعه قتل از جنگ صفین بود
 و پس از جنگ صفین باز مالک مجمل حکم این خود رفت و بچیدن خوارج از اینک امیر المؤمنین رضاداده است که
 ابو موسی از جانب آنحضرت حکم شده و شاد شد آنها پس از وصول خبر حکمین بوجه مسطور و خواهن کردن از
 امیر المؤمنین که نفیض عهد فرماید و بجنب مخالفین قیام نماید و قبول نکردن آنحضرت و منفق شدن خوارج بر
 مخالفت امیر المؤمنین و بیعت کردن با عبدالله و هب بن الراسی که یکی از بزرگان این قوم بود و نامه نوشتن بخوارج بصره
 و معاهد گاه فرار دادن کنار جبر طرفان را برای اجتماع در آن محل بمقتدا معروف و نهی از منکر و قبول خوارج

و نامه نوشتن

و معین شد ابو موسی
از جانب امیر المؤمنین و
عمر و علم از جانب معاویه

بصره دعوت خوارج که در او پیش از آنجا عتبات بکند و دو روز کوفه طرف بغداد که و پیوستن خوارج بصره با آنها
 و در اجماع جمعیت نامه نوشتن امیر المؤمنین علیه السلام عبدالله و هب بن یزید بن الحصین بزرگ خوارج دعوت نمود
 آنها با اتفاق با آنحضرت و جواب نوشتن آنها برخلاف صواب شرارت کردن خوارج در سواد عراق و کشتن بعضی از ایشان
 امیر المؤمنین را و عزیمت آنحضرت قال معویه را و پس از استماع خوارج فتح آنزیمت کردن و متوجه دفع شر آنها شد
 و پس از نزدیک شدن دو فرقه بهم فرستادن عبدالله بن عباس و ابویوسف انصاری را بلیشکرگاه خوارج بموعظت آنها
 و قبول نصیحت نکردن آنها و نصیحت کردن امیر المؤمنین علیه السلام بنفس مقدس خود آنها را و محاجه با عبدالله بن الکوا
 و غلبه بر او بدلیل که اینمغنی نیز در مزاج خوارج مفید بنامد مهتاشدن جانبین برای حوینکناشن امیر المؤمنین
 عین عتد را بر میمند و شیشین زبجی بر میسره و دادن سرکردگی جمیع سواران را با ابویوسف انصاری و سرکردگی
 جمیع پیادگان را با ابوفناده و دادن خوارج میمند لشکر خود را بنیاد بن حصین و میسره را بشریح بن ابی اوی العسوی
 ریاست سواران را بحر فوس بن هر السعدی و سرکردگی پیادگان را عبدالله بن الکوا و فرمان امیر المؤمنین علیه السلام
 که هر که بجانب من آید یا بطرف کوفه رود و بزرگ جنگ کوید این باشد و رفتن قرظ بن بودل اشجعی از رؤسای خوارج
 با انصد نفر از منابعین خود بطرف کوفه و ملحق شدن جمعی دیگر از خوارج بلیشکر امیر المؤمنین و منابعین کردن در گرفتن
 جنگ و کشته شدن رؤسای خوارج و منابعین آنها چنانکه تقریباً از چهار هزار مرد جنگی زیاده از آنه نفر نماند و در نفر
 از این نفر عجز اسان رفته و از خراسان بسپستان آمده و خوارج بجمشان منسب این دو نفر میباشند گویند در این جنگ از
 عساکر امیر المؤمنین هزار نفر با هفت نفر کشته نشدند این است جنگ ما درین چنانکه جنگ صفین را جنگ با فاسطین گویند و
 جل را جنگ با ناکشین بعضی گویند جنگ با مار قین در سال سی و هشتم بود مر اجبت امیر المؤمنین علیه السلام بکوفه و خواندن مردم را
 بجهاد و مقاتله با معاویه و اقدام نکردن آنها مگر بعد از و صورت نکردن این قصد فرستادن امیر المؤمنین را در انسال بعد بن هب
 انخرومی را بولا بن خراسان بعد از معاویه تا از صفین و رفتن او تا نیشابور و مخالفت اهل بولا بن او و باز کشتن او بخدمت آنحضرت
 و فرستادن خلیفه بن قره البریعی را ببولایه که آنها را محاصره کرد تا مصالحه نمودند و مصالحه کردن مردم بها نیز با او صحیح کرد
 عبدالله بن عباس که از جانب امیر المؤمنین ماموران من بود حکومت قثم بن عباس در انسال بر مکه و طایفه حکومت سهل بن
 حنفه در مدینه و محمد بن ابی بکر در مصر فوئت جنابین لاریت فوئت سهل بن حنفه انصاری بقولی و فوئت مهینت اسنان و صفوان
 ابن بضا فوئت عبدالله بن سعد بن ابی سرح در عسقلان فجاه

شهر صبی

شهر هجری

آسیا از فایع انسال کشته شدن محمد بن ابی بکر است در مصر نیسین آنکه چون بعد از غزلقیس بن سعد بن عباده
 محمد بن ابی بکر و لایه مصر یافت با هواخواهان عثمان که در سلك اطاعت امیر المؤمنین علیه السلام در بنامده بودند خیر
 مصلحت جنگ کرد و وهنی در کار او بدیدار آمد و شخصی بود در مصر موسی معاویه بن حنیج و دشمن امیر المؤمنین
 پس از قصه حکین با جمعی او باشد شد بعنوان طلب خون عثمان بنای طغیان گذاشت محمد با فعد را بر زمین امیر
 المؤمنین را ماند حضرت مالک اشتر را که در جزیره حکومت اشتر از نصیبین طلب فرموده و لایه مصر دادند که
 بدان ساخت فوئت طغای از مفساد نماید و مالک روانه شد معاویه بن حنیج را شنیده متوحش گردید و دهقانی را
 بران داشت که در عرض راه مالک را مسموم کرد و برای جایدیدر مانند امیر المؤمنین نامه محمد نوشتند و او را مجدداً
 بحکومت مصر مدافعه مخالفین فرمودند و چون تمام خوارج حضرت را مشغول ساخت معاویه در مکه با فوئت و عاصم را

که وعده میکردند هر داده بود با شش هزار نفر بر سر محمد فرستاد و عمر و عاصر و بنو امیه و بنو حنیفه و بنو سنی و اورا بجنگ محمد فرستاد
و بعد از بخاری به محمد بن حنفیه و معاویه بن حنیفه و بنو حنیفه و بنو سنی و عمر و عاصر
داخله صورت شد بی مزایای مشهور حکمرانی کرد و در این واقعه امیر المؤمنین خواستد لشکری بکند محمد فرستاد ولی
عساکر کوفه افتدای نبردند فرستادن معاویه عبدالله حضرتی را بتخت کعبه و مختفی شدن زیاد بن ابیه که از جانب ابن
عباس کار گذاران و لایق بود و فرستادن امیر المؤمنین امین بن ضبیغه الجاشعی را بجنگ عبدالله حضرتی و کشته شدن
او و فرستادن امیر المؤمنین جابر بن فداه را بخریب مغلوب کردن او عبدالله را و محصور شدن در قصر و سوزاندن
جاریه آن قصر را با هر که در او بود اظهار مخالفت خرتیب بن راشد الناجی با امیر المؤمنین بجبهه راضی شدن آنحضرت بکین
و پرتن شدن از کوفه با منابعتش و تعاقب کردن زیاد بن خصیفه الکبری او را بجبهه برگرداندن او و مقاله خرتیب
و زیاد در نبرد جرابه رفتن خرتیب با هواز و زیاد بصیره و فرستادن امیر المؤمنین معقل بن قیس با دو هزار نفر
بجاریه خرتیب نوشتن آنحضرت باین عباس که شخص شجاعی با دو هزار نفر مدمعقل سازد و جمع آمدن اجاره او با
عرب و عجم و خرتیب و ملاقات معقل و خرتیب در یکی از کوههای دامهرمز و فرار خرتیب بعد از مقاله شدید بسواحل
دریا که در آنجا از کسان او پناها بودند و دعوت کردن مرثد را بجنگ امیر المؤمنین و رفتن معقل بفرمان
امیر المؤمنین بنی ثعلبه و وقوع محاربه و کشته شدن خرتیب بدست یحیی بن یسار بن عوف و خروج اشرس بن عوف
شبیانی در مسکه و رفتن باینار و فرستادن امیر المؤمنین ابرش بن حسان را بدفاعه او و کشته شدن اشرس خروج
هلال بن لغه از خوارج از یم الرقاب و آمدن بمسندان و کشته شدن او و مقاله بنش بدست معقل بن قیس رباعی
خروج بعضی دیگر از خوارج و دفع آنها چ کردن قثم بن عباس حکمران مکه از جانب امیر المؤمنین در اینسال و فتنه هب

بن سنان بقول بعضی

سده سی

سده هجری

اول امیر فرستادن معاویه بن یحیی بن یسار را با هزار نفر بعین التمر و مقاله مالک بن کعب که از جانب امیر المؤمنین علیه السلام
حکومت بن التمر داشت بانهان و مراجعت یحیی بن یسار و در پیبرد امیر المؤمنین هر چه خواستند از عساکر کوفه مدتی
بالت فرستادن آنها مساعره نمودند فرستادن معاویه سفیان بن عوف را بهت که شهرتت صبان موصل و شام و آذربایجان
سفیان از هبت باینار و مقاله او با اشرس بن حسان بگری که حاکم آنسواد بود و کشتن او اشرس را و غارت کردن باینار او و معا
بشام فرستادن معاویه عبدالله بن مسهل بن حکم بن مالک بن بلدر القزازی را با هزار و هفتصد نفر بجانب مکه که شهرتت
در کنار باده که متصل است بمجد و شام و گرفتن صدقات از اعراب باده و فرستادن امیر المؤمنین مسیب بن نجبه
القزازی را باده و هزار نفر بدفع او غلبه کردن بر او بعد از مقاله شدید و مراجعت عبدالله بشام فرستادن معاویه صفحان
قیس را بیاد به عجمه خوارج قتل مردم و منع حاج از رفتن بکند فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام حمر بن عبد الکندی را بدفع
او و هزیمت صفحان آمدن معاویه بموصل بعنوان ثمانشای جله و مراجعت او پس از چند روز بدمشق فرستادن معاویه بن
شجره هاوی را بکند با سه هزار نفر برای اینکه مردم با او جمع گذارند و عامل امیر المؤمنین را از مکه بیرون کند و خبر دادند تم
بن عباس حاکم مکه امیر المؤمنین و فرستادن حضرت جمعی را بدفع او و مراجعت بنی یسار بن شجره بشام که فرستادگان امیر المؤمنین
بعد از آنکه از هرازان او رسیده آنها را سپردند فرستادن معاویه عبدالرحمن بن قیس بن اشیم را ببلاد جزیره و مقاله کلان
زیاد که در هبت بنو عبدالرحمن و غلبه کبیل و رسیدن شیب بن عامر از نصیب بن بکک کبیل فرستادن معاویه زهر بن

مکول عامر را بساوه برای اخذ صدقات و فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام جمعی را بمداغته او و مغلوب شدن آنجم انکار می
 اهل دیوه الجدل امیر المؤمنین را و معاویه را و رفتن مرتضی بن مرتضی العبد بسند و عقانله را بنی ملک و دعوت کردن مردم و بیعت
 امیر المؤمنین و گرفتن اسیر و غنایم بسیار و لا بد از این سینه در فرار و کومان از جانب امیر المؤمنین را و نصفه آن خود نوشت
 ابو مسعود اشعری بقیه بعضی امروا (انکلیس) پادشاه مسیحی خرابی شاه کنت که عیسوی مذهب بود در جباله نزدیک
 در آورده و خود نیز مذهب عیسوی را اختیار نمود پیش رفت کار عساکر اسلام در سطنطینه

سند هجری
 نسبت مسیحی

اسپا فرستادن معاویه شیرین ابی رطاه را جرمین وین برای دعوت مردم به بیعت معاویه و قبول کردن بسیاری
 بیعت معاویه را که از جمله ابو موسی اشعری جابر بودند و رفتن سب از حرمین بهین فرار عیبدالله بن عباس و بر فرار شدن
 عبدالله حارث بجای او و کشتن سب را و پد را و او و دیر او عبد الرحمن و تم را و فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام
 جارتین فدایه و هب بن مسعود ثقفی را با چهار هزار نفر بمداغته سب و کین سب مصالحه امیر المؤمنین را با معاویه بعضی
 روایات بانیکه عراف امیر المؤمنین را باشد و شام معاویه را و جنک و غارت از جانبین مزوک باشد و بخش عبدالله
 عباس که حاکم بصره بود از امیر المؤمنین را بجهت اینکه آنحضرت حساب بیت المال را از او خواستند رفتن از بصره بمکه
 و اسماعیل امیر المؤمنین را و بر ایتی و مراجعت او و محل حکمرانی خود دلنیکه عقیل برادر امیر المؤمنین را از آن حضرت
 بجهت اینکه از بیت المال مدد و سغنه با و میزدل نمیشد و رفتن او بشام نزد معاویه و اکرام معاویه از او گویند
 معاویه صد هزار درهم بعقیل انعام کرد

شهادت امیر المؤمنین علیه السلام بدست عبد الرحمن بن ملجم مرادی از خوارج در صبح نوزدهم رمضان و بعضی روز دیگر گفته اند
 و صورت اینواغده انبیس که ابن ملجم با برک بن عبدالله بنتمی و عمر بن بکر التیمی السعدی که آن دو نیز از خوارج بودند هم عهد شدند
 که امیر المؤمنین را و معاویه و عمر و عاص را بکشند و ابن ملجم که اهل مصر بود مغتد قتل امیر المؤمنین را شد و بکر بن عبدالله
 بشام بقتل معاویه رفت و شمشیر بر او معاویه زد که کار کشنده و حکم معاویه بر او کشته شد و عمر بن بکر بمصر رفت
 چون ابن هریره عده کرده بودند که در فلان شب مضافا اقدام بمقتول خود نمایند اتفاقا آنشب عمر و عاص نفاهی داشت
 و بجای خود یکی از بنی عامر را فرستاد تا امامت کند و او بدست عمر بن بکر کشته شد بالجمله ابن ملجم بکوفه آمد و با جماعتی از
 یتیم الرایب ملاقات کرد و زنی فطامه نام با آنها بود صاحب حسن و پدرو برادرش در نفر و آن کشته شده بودند ابن ملجم شپنه
 او شده او را زنی خواند فطامه گفت شرط دارد سه هزار درهم و کتیر و غلامی و قتل علی علیه السلام و ابن ملجم که خود با این
 بقرضا شده و فطامه از طایفه خود و روان نامی را مدد ابن ملجم فرار داد و شب بن بجره را نیز با او همراه کرد در شب و عود
 آن سه ملعون بمسجد حاضر شده کین کردند چو حضرت امیر المؤمنین را بنماز صبح شریف بمسجد آوردند و مردم را بجا خواندند
 شب شمشیر بر طرف حضرت انداخت ولی آنشب بر عضاده در خورد و ابن ملجم شمشیر بر فرق انور حضرت زد و گفت یا علی حکم
 خدا راسته نور را و آنحضرت فرمودند فزنت و ربنا للعبه و در دان بگو از کسان خود او کشت و شب بن بجره بکین
 و ابن ملجم را گرفتند و حضرت امیر المؤمنین مجتباب امام حسن علیه السلام صفت فرمودند که اگر من رحلت کردم ابن ملجم را بکضبت
 بکشید و اگر ماندم خود حکم او را خواهم کرد نیز در مخفی داشتن مدفن آنجانب سلام الله علیه مبالغه بر زبان معجز بیان مبارک
 رفت در روز رحلت حضرت اختلاف کرده اند شهر بیستم و بیست یکم رمضان است عمر شریف حضرت بر او بنا صح شست
 سه سال و مدت خلافت چهار سال و نه ماه است کشته شدن ابن ملجم علیه اللعنه سوزانیدن مردم جدا و را با بودیا

بعث جماعتی با حضرت امام حسن علیه السلام و اول کسیکه بیعت کرد قیس بن سعد است و آن روز بود بیعت مردم با معاویه در بیت المقدس
مرحله ششم بن قیس کندی چهل روز بعد از رحلت حضرت امیر المؤمنین فوت همان بن ثابت و ابو رافع از صحابه

شماره هجدهم

شماره هجدهم

امینا بیعت قیس بن سعد بن عباد با امام حسن ففضت معاویه با زشام باشند هزار فسون بفرم لشخیر عرواق استقامت
امام حسن از کوفه با چهل هزار نفر بعد از معاویه که قیس بن سعد با دوازده هزار نفر مقدمه لشکر بود مصالحه امام حسن
با معاویه و اولکذا شرف خلافت با توسط عبد الله بن عامر و عبد الرحمن بن سمره فرستادگان معاویه بشرط اینکه بپذیرد مردم
که از بیت المقدس کوفه موافق بود با حضرت و اگر از کند که بدون خود را ادا فرمایند و خراج دارا بجزد فارس با هم مخصوص آن
حضرت نمایند ششم حضرت امیر المؤمنین را بپذیرد عن کند و بپذیرد معاویه در شرط اول را قبول کرد و شرط ستم را بپذیرد
آنحضرت خواستش درموند که غنم کند در حضور آنحضرت ششم نکند معاویه قبول کرد ولی که نماند و ادای خراج دارا بجز
بناهل بجز مانع شدند بعضی گفته اند امام حسن خراج فسا و دارا بجز در دو خواست شد خلافت آنحضرت بجز با
شما بود مصالحه قیس بن سعد با معاویه بعد از مصالحه با امام حسن بشرط اینکه او و شعبه علی علیه السلام را مانع باشند
رفتن امام حسن از کوفه بپذیرد خراج خوارج بر معاویه بکشند شدن معین خراجی خراجی ابی مریم و فرستادن مغیره جابر
بجلی را بدفع او و بکشند شدن ابی مریم خراج ابی لیلی و فرستادن مغیره معقل بن قیس باسی را بدفع او که ابی لیلی در سواد کوفه
در سنه چهل و دو کشته شد و لایب مغیره بن شجره در کوفه از جانب معاویه و لایب قیس بن ابی ارضاه در بصره از جانب معاویه
و لایب ابن عامر در بصره در آن سال و دادن معاویه حکومت خراسان به مجستان را با و در این وقتناهل با دغیس و هرات
و بوشخ طغیان کرده بودند مامورین ابن عامر آنها را مطیع کرده و نوبهار بلخ را خراب کردند خراج سه م بن غالب الطحینی
ابن عامر را در عراق حکومت از بقعه را بعقبن بن نافع بن عبد قیس که شیر خاله عمر بود و او را لوانه و مزانه رفته ابتدا
اطاعت او کردند بعد سر از دند و او با آنها مقاتله ها کرد و در سنوات بعد بسیار از این مملکت را مستحکم کرد قوت لیب
بجزه او و این رساله بکر گفته اند اسر و با امیر طور فسطاطین بواسطه افراط در عیش و طهور و لعب و غوضها
فسطاطین را بر او شوریدند و او از سلطنت استعفا کرده بطرفنا بطلان فرار کرد

شماره هجدهم

شماره هجدهم

اسیا جنگ مسلمین در آلان جنگ مسلمین با رومیها و منهرم شدن رومیها و کشته شدن جمعی از بطارقه آنها
نولد تجاج بن یوسف بقولی ولایت مروان بن حکم در مدینه حکم معاویه و لایب خالد بن عاص بن هشام در مکه اتفاق سه
نفر از بزرگان خوارج که مشورین علفه الیهی باشد از تیم الراب معاذ بن جویین الطائی و حیان بن ظببان السلی و
بعث کردن با مشور و قبول کردن او را بر پاست و مصمم خروج شدن آمدن زیاد بن عتبه که از جانب امیر المؤمنین
علم فارس بوزیر معاویه بدلا لث مغیرم بن شعبه اسپندان او از معاویه و آمدن بکوفه نزد مغیره فوت حبیب بن
مسلمه الفهری در رومینش که از جانب معاویه امارت او لایب داشت فوت عثمان بن طلحه بن ابی طلحه العبد و فوت
عبد بنید بن هاشم بن مطلب که مصارع با حضرت رسول زده بود و صفوان بن امیه بن خلف الحبحی فوت هانی بن یاری
عمر و الانصار که خالد بن عازب بود و بعضی فوت هان را در سال سی و پنج نوشتند فتح عبد الرحمن بن سمریج را

شماره هجدهم

شماره هجدهم

اسیا جنگ لیبی در روم و ناختن ناصطالیند بعقده بعضی فوت عمر و عاص در مصر و وفات لایب

عبد الله

عبدالله بن عمرو بن عامر در مصر فوت محمد بن در مدینه رفتن مسعود بن خلفه النبی اجمعی از خوارج از کوفه و مامور شد
 معقل بن فیس از جانب مغربه با سه هزار نفر بمقابل او و بغایت کردن معقل مسعود را بمسافت زیادی و پیر از جنگها
 سخت کشته معقل نیزه مسعود و کشته شدن مسعود بشهر معقل عامل کردن عبدالله بن عبدالرحمن بن سمر را
 بجستار جنگ او با اهل سجستان که طغیان کرده بودند و راندن ناکابل و گرفتن این شهر را بغلبه رفتن بیست
 گرفتن بیست را نیز بغلبه و فتح کردن سایر نواحی سجستان از جنگ عبدالله بن سوار العبید در قیفان از سندان عبدالله
 عامر و بعضی گفته اند با معاویه عزت کردن عبدالله بن عامر قیس هشتم بن قیس الخزاسان و عامل کردن عبدالله بن
 حازم را بجای او فوت عبدالله بن سلام

سده سی و چهارم

سده هجری

آسیا عزت عبدالله بن عامر از بصره استلحان معاویه زیاد بن سمیه را یعنی قبول کردن که او پسر ابوسفیان است
 جنگ مهلب بن صفیه در نجرسند آمدن به نینوه و هواز و مقابله با دشمن در اینجند و فتح کردن عبدالرحمن کابل را
 ساختن مروان بن حکم مقصوره در مدینه و این اول مقصوره است که در مدینه ساخته شد فوت ام حبیبه در خنجر
 ابوسفیان از زوجات حضرت رسول مقبول شدن و فاعله عدوی بجهت از عدی باب فاکت ابو موسی اشعری

سده سی و پنجم

سده هجری

آسیا ولایت عرب بن عبدالله از دی زبیره که پس از چهار ماه مغزول شد ولایت زیاد بن سمیه در بصره که
 خراسان و سجستان و هند و بحرین را بواجب آشته و او کار سلطنت معاویه را بگنایب محکم نمود و اهل بصره را از منق
 و فوجونی که فوت شدند بن ثابا انصار و بعضی فوت زید در سال پنجاه و پنج کشته اند فوت سلیمان بن سلف بن
 و فاکت انصار فوت ثاب بن فحاک بن خلفه الکلابی از اصحاب شجره

سده سی و ششم

سده هجری

آسیا امر اجبت عبدالله بن خالد بن ولید از روم و مسموم شدن او در دمشق بدستان اثال نصران با اشاره معاویه که
 خالد پسر او بعد ثاب را بد را بکشت و چند گاه بی واسطه مجبور معاویه شد خروج سهم و خلیف و کشته شدن آنها بجمع
 کردن عیث بن ابوسفیان فوت صالح بن کیسان فرار آثر زید از ربیع بن زیاد در سجستان

سده سی و هفتم

سده هجری

آسیا در زمستان این سال مالک بن هبیره در خاک روم بود و عبدالرحمن فیس در انطاکیه عزت عبدالله بن عمرو
 عامر از ولایت مصر نصیب معاویه بن حنیف بجای او و مقاله حکم بن عمرو در جبال غور و غلبه او

سده سی و هشتم

سده هجری

آسیا جنگ عقبه عامر حنی با اهل بحرین و اهل مدینه عامل کردن زیاد غالب بن فضاله لثمی در خراسان فرستادن
 معاویه لشکر عظیمی با سفیان بن عوف بقسطنطنیه و محاصره کردن آنها قسطنطنیه را و وفات ابویوب انصار
 در مدینه محاصره کوفه معاویه بن زید امیر اهل این لشکر گرد و او تفاعله نموده اشعاری خواند که از مضمون آن میل
 با سائش و عیش و اعراس از خاطر آن مفهوم میشد معاویه شنید و او را مجبور با این شعر که بعضی بن و افعیر را
 بسال چهل نهم نسبت داده اند

سده سی و نهم

سده هجری

اسپاغل مروان بن حکم از مدینه و نصب سعد بن عامر بجای او شهادت حضرت امام حسن بواسطه مسموم کردن جده دختر^{بن}
 نسر الکندی وجه آنحضرت آن بزرگوار را گویند چون معاویه بخواستش بریدار و لطمه زد و انبقره با جان حضرت امام حسن
 در دست بنام جده بفریفت و باو و عده هاراد و او آنحضرت را مسموم کرد و پس از دهک خواستند در جوار قبر منور رسول
 آنحضرت را دفن کنند مروان بن حکم باینی مقبره مانع شدند لهذا جسدا آنحضرت را در قبرستان بقیع خاک سپردند

سده هجری

اسپاغل مروان بن حکم از مدینه و نصب سعد بن عامر بجای او شهادت حضرت امام حسن بواسطه مسموم کردن جده دختر^{بن}
 نسر الکندی وجه آنحضرت آن بزرگوار را گویند چون معاویه بخواستش بریدار و لطمه زد و انبقره با جان حضرت امام حسن
 در دست بنام جده بفریفت و باو و عده هاراد و او آنحضرت را مسموم کرد و پس از دهک خواستند در جوار قبر منور رسول
 آنحضرت را دفن کنند مروان بن حکم باینی مقبره مانع شدند لهذا جسدا آنحضرت را در قبرستان بقیع خاک سپردند

نخ فاشانلو

سده هجری

اسپاغل مروان بن حکم از مدینه و نصب سعد بن عامر بجای او شهادت حضرت امام حسن بواسطه مسموم کردن جده دختر^{بن}
 نسر الکندی وجه آنحضرت آن بزرگوار را گویند چون معاویه بخواستش بریدار و لطمه زد و انبقره با جان حضرت امام حسن
 در دست بنام جده بفریفت و باو و عده هاراد و او آنحضرت را مسموم کرد و پس از دهک خواستند در جوار قبر منور رسول
 آنحضرت را دفن کنند مروان بن حکم باینی مقبره مانع شدند لهذا جسدا آنحضرت را در قبرستان بقیع خاک سپردند

سده هجری

اسپاغل مروان بن حکم از مدینه و نصب سعد بن عامر بجای او شهادت حضرت امام حسن بواسطه مسموم کردن جده دختر^{بن}
 نسر الکندی وجه آنحضرت آن بزرگوار را گویند چون معاویه بخواستش بریدار و لطمه زد و انبقره با جان حضرت امام حسن
 در دست بنام جده بفریفت و باو و عده هاراد و او آنحضرت را مسموم کرد و پس از دهک خواستند در جوار قبر منور رسول
 آنحضرت را دفن کنند مروان بن حکم باینی مقبره مانع شدند لهذا جسدا آنحضرت را در قبرستان بقیع خاک سپردند

آش

آنس یونانیانست و مخترع آن کالی نیک نامی از اصل یونان بوده که شام سکنه دانسته آن عبارتست از اخلاط بعضی مواد محرقه
از چیل سنداوس و نفت و غیره که دخلی با جزای یار و طهارت و در آب هم میسوزد و در زمانه هفتم مخصوصا برای سوزاندن
سفای جنکی اعراب اختراع شده بود

سده هجری

سده ۷۷ صبحی

اسیا فونز ز یاد بن هبته فوت ربع بن زیاد عارضه که از جانب پادشاهان خراسان بود فوت عبدالرحمن بن ابی بکر شد
در راه مکه بقولی فوت فرزند پهلوی عامل معاویه در سغافوت عمرو بن حزم انصار فوت فضال بن عبد الانصار در دمشق
بقولی امریای فتح کردن جناده بن ابی امیه از دیو جزیره رود ^{معدن} رود و مسلمانان را بجزیره که این معنی برای دو مهاجران
مقرر بود و اما سفای آنها را مسلمانان میگردانند

سده هجری

سده ۷۸ صبحی

اسیا عزل سعید بن عامر از حکمرانی مدینه و نصب مروان بن حکم بجای او حکومت عبدالله بن عمرو بن عثمان در بصره و ظرف
شش ماه عمل نمودن معاویه و عبدالله بن زیاد در خراسان و آمدن او با بنو لایث و عبود کردن از جیحون و رفتن ناجال بخارا
و آمدن بالشکر و کوفتن رانند و سفت بکنند از اعمال بخارا و در یافت غنایم بسیار گویند در جنگ با لایث یعنی در فرار آنها
نوعیه پادشاه که با پادشاه در آنجک همراه بود چون مهتای فرار شد لایث کفش خود را در پا کرده و کفش دیگر شنبو استی شد
و فرار کنند که بدست عساکر اسلام اسپر شد و او را بدو و پست هزار درهم از لایث خریدند فوت ابوفضاله انصار بقولی
نوت حوین بن عبدالغزی در صد و بیست سالگی فوت ثویان غلام رسول الله فوت سامان بن زید بقولی فوت سعید
برو ع بن عکرمه در صد و بیست و چهار سالگی فوت مخزوم بن نوفل فوت عبدالله بن انیس الجهمی مقبول شدن زید بن
شجره الزهراوی در جنگ بقولی امریای جنگ معز بن زید سلمی در روم فتح جزیره ارواد که در نزدیکی سطنطین است
بسرانی جناده بن امیه که ناهفت سال مسلمانان در این جزیره بودند بعد حکم زید را حبس کردند

سده هجری

سده ۷۹ صبحی

اسیا عزل عبدالله بن عمرو بن عثمان از ولایت بصره و نصب عبدالله بن زیاد بجای او و دادن ابن زیاد ولایت خراسان
به اسلم بن زرعزله الکلابی که او را بنو جنک در خراسان کردند و نه فخی عزل عبدالله بن خالد از ولایت کوفه و نصب صفوان بن یس
جای او بر دانی فوت شامی بن ابی لایم الخزومی و اینان کسی است که حضرت رسول در مکه در خانه مخفی شدند فوت
ابوالیسر کعب بن عمر و انصار و بعضی فوت این هر دو در سال دیگر نوشته اند و هات سعد از عشره مبشره که اخوین آنها بود

سده هجری

سده ۸۰ صبحی

اسیا نصب کردن معاویه بن زید را بولایت عهد و بیعت گرفتن از مسلمانان برای بنی مطوعا و کرم اولاد معاویه بن عثمان بن عفان
در خراسان و عبود کردن او از جیحون و آمدن شهرتند و فتح سغد و مرید که در این جنگها فتم بن عباس بن عبد المطلب کشته شد
فوت جویز بن دختر حوث زوجة رسول الله امریای جنگ مسلمانان با رومیها بقولی بر او عجز که سر در لشکر بن عباس فوت
در سردار عساکر محرم بن زید بن شجره و بعضی اشخاص دیگر را کشته اند

سده هجری

سده ۸۱ صبحی

اسیا عزل مروان بن حکم از مدینه بقولی و نصب زید بن عبید بن جهمان بجای او فوت عبدالله بن عامر بقولی فوت عبدالله
بن زید بن سعد با عبدالله بن عمرو بن و فدان السعد فوت عثمان بن سینه بن ابی طحطه العبدی که جد بنی شیبه بود و بنی شیبه

خدا

خدام کعبه بودند و کلید کعبه بدست آنها است فونجیبر بن مطعم بن نونل الفریضه فونام سلمه از زوجات حضرت رسول
و بعضی گفته اند که در سال شهادت حضرت سید الشهدا امام حسین ۴ زنده بوده

سده هجری

سده سی و هفتم

اسپاغزل ختاک بن خلس از ولایت کوفه و نصب عبدالرحمن بن عبدالله بن عثمان الثقفی معروف با بن ام حکم که خواهرزاده
معاویه بود بجای او خروج خوارجی که مغیره آنها را احبس کرده بود برپا شد جهان بن ظلمان سلمی و معاذ بن جویث طائی و کشته
شدن آنها بدست لشکر کوفه سوء سپرت و عمل ابن ام حکم در کوفه و داندن اهل کوفه را و آمدن بن معاویه و دادن
معاویه ولایت مصر را و برگره باندن معاویه بن حلیج او را از دو مرتبه مصر بجهت سوء عمل او و بعضی مراجع بن ام
الحکم را از کوفه در سال بعد نوشتند خروج طوائف بن غلاق با بعضی خوارج بصره و مقتول شدن آنها بدست
لشکر بصره کشته شدن عروه بن ادیه برادر ابی بلال مرادس از خوارج و جمع دیگران خارجها حکم عبدالله بن زیاد و حبس
جمعی از خوارج نیز حکم عبدالله و فاطم عقیب بن عامر الکهنی فاطم ابشر بنت ابی بکر از زوجات رسول الله و فاطمه
بن جنید مالک عباده الغافی و عمره بن پرتی فاضی بصره امر با یا جنک کردن مالک بن عبدالله خشعی در خالده
عمر بن زید الکهنی در دریا و بعضی بجای عمر و جناده بن ابی امیه را کشته اند

سده هجری

سده سی و هشتم

اسیا و لایث نعمان بن بشیر الانصار در کوفه ولایت عبدالرحمن بن زیاد بر خراسان غزل عبدالله بن زیاد از بصره
و نضاک و مجدداً فونجیبر بن سعد بن عباده الانصار در مدینه بقولی و فاطم سعد بن عامر و فاطم تره بن کعب الهمری
التلی و فاطم ابو محمد و ره بجی که در مکه مؤذن حضرت رسول بود بقولی و فاطم عبدالله بن عامر که نیز بمکه و فاطم ابی
جنک سلمی در حصن کح و مفاطه عمر بن حباب سلمی و سعی شخص او در کوفه بن فلعتره غلبه بر او و مینها

سده هجری

سده سی و نهم

اسپا و فاطم معاویه در شب اول رجب یاد ریه رجباً بسبت و تیم ایماه در حال لشکر زیاده از هفتاد سال داشت
و مدت ملکش نه سال و سه ماه بود نفرها بیعت مردم با بن یزید در ماه رجب و نوشتن بولید بن عبید بن ابی سفیان
که از حضرت امام حسین علیه السلام عبدالله بن عمر و ابن زبیر برای او بیعت بگیرد و دعوت بولید حضرت امام حسین و ابن زبیر
ببیعت یزید و قبول نکردن و رفتن ابن زبیر کوفه و ابن زبیر بمکه عزل کردن یزید بولید بن عبید را از مدینه و نصب کردن
عمر بن سعد اشقی را بجای او و نامه نوشتن اهل کوفه بحضرت امام حسین و مستدعی قدم ان بزرگوار شدن برای
بیعت با آنحضرت و معارفنا اشخاصی که نامه نوشتند سلیمان بن مرد خراعی و مسیب بن نجند و رفاعة بن شداد و
حبیب بن مظاهر و شیب بن ربیع و حجار بن ابجر و یزید بن حوث و یزید بن روم و عروه بن قیس و عمرو بن حجاج زینب
و محمد بن عمر و النعمه بودند فرستادن حضرت امام حسین مسلم بن عقیل را بکوفه برای معلوم کردن آرای اهل
کوفه آمدن مسلم بکوفه و نزول او در خانه مختار و بیعت کردن مردم با مسلم و نوشتن عبدالله بن سعد حضرمی
و غیره و اضربه برای یزید و عزل کردن بن یزید نعمان بن بشیر را از ولایت کوفه و دادن ولایت کوفه را بعلاء و حکومت
بصره بحب عبدالله بن زیاد و امر کردن او را بقتل با نفی مسلم بن عقیل نامه نوشتن حضرت امام حسین با شراف بصره
و دعوت کردن آنها را برای حقی برین آمدن ابن زیاد از بصره با مسلم بن عمرو با هلی و شریک بن عور الحارثی و خدمت
حشم و اهل خود بمصد کوفه و آمدن با پیشه مردم را با طاعت یزید بن عبید کردن و وعده و وعید نمودن و شیب سلم

ما جز از او رفتن از خانه مختار بجانتهای مریض شدن شریک بن عور و رفتن بجانتهای و وفات کردن او در حالیکه
 هجده در شیع بود و در عبادت این زیاد از او مسلم را که در خانههای پنهان بود تقبل این زبانه مریض کرد ولی مسلم
 اقدام ننمود خیر شدن این زیاد از محل و مکان مسلم و بیرون آمدن از خانههای و جمع شدن ایشان کسی که با مسلم بیعت
 کرده و همچو هزار نفر بودند و گرفتن دور دارا که ماره را که این زیاد در آن بود و منفرد شدن اصحاب مسلم بودند و
 و عید بجمع این زیاد و نوا ماندن مسلم و گرفتن شدن و شهادت آن بزرگوار بدست بکر بن حران در بام دارا که ماره
 و کشته شدن هانی و فرستادن این زیاد سر مسلم و هانی را برای پدید توجه حضرت امام حسین علیه السلام از مدینه
 و شهادت خبر شهادت مسلم را در ثعلبیه فوت جرحها لاسلمی و فاطمه حکیم بن حزام و فاطمه ابواسپد الساعدی و بعضی
 فوت ابواسپد را در شعیب و شیخ نوشته اند و فاطمه صفوان بن المعطل التلمی بقول امری با داخل شدن جاذبه
 رد و در آن خراب کردن شهر این جزیره را بقول جنک مالک بن عبدالله در سوریه طایفه بلغار که یکی از طوایف
 ترکستان هستند ساحل بود در انوب (طونز) را منصرف شده هر سال باج و خراج از سلاطین قسطنطنیه طلب
 میکنند و سالها سلاطین قسطنطنیه از آنها در وحشت و دهشت میباشند

سنة هجری

سنة هجری

آسیا و در حضرت امام حسین علیه السلام بکر بلا روز پنجشنبه دوم محرم هجری حر که باد و هزار سوار از لشکر این زیاد
 بمقابلت آنحضرت شافند و در مکان معروف بسراف آنحضرت ملحق شده و تکلیف میکرد که جناب خامس ال عبا بگویند
 این زیاد برود و فرود آوردن آنحضرت را بجای که وصول بآب معسر بود و در دین سعد بن ابی وقاص چهار هزار سوار
 بکر بلا روزی که از او در حضرت امام حسین یعنی ستم محترم و اظهار حضرت ابی عبدالله با او که بکنار آنحضرت از همان
 که شریف آورده اند معاودت فرمایند با آنحضرت رفتن نزدین بد نمایند با برند یکی از ثغور و نوشتن این سعد افضل
 باین زیاد و در غضب شدن این زیاد و مامور کردن شمر ذی الجوشن را که بکر بلا آمده با این سعد اظهار دارد که مقاله با
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام نماید سرداری فزون را بشمر و آنگاه کند آمدن شمر بکر بلا و اظهار داشتن مراتب را باین سعد
 و اختیار کردن این سعد جنگ و مصمم شدن بقنال در عصر پنجشنبه محترم و سهلت طلبیدن امام مظلوم که فرزند بکر
 اقدام شود اظهار داشتن حضرت همراهان خود واقعه و در خصم دادن که هر کس ما را است از خدمتشان بزرگوار
 نموده هر جا که میخواهد برود و رفتن بسیار و ماندن معدود و نظر این واقعه نیز هنگام استماع خبر شهادت مسلم
 عقیدت دین را با اتفاق افتاده بود و آنچه جانسوز بکر بلا در روز عاشورا و شهادت حضرت خامس ال عبا و همراهان
 آنحضرت که سی و دو نفر سوار و چهل پیاده بودند و فاطمه آنحضرت با اسنان ملعون بوده با شمر علیه الغنه و عمر شریف آن
 بزرگوار برایشان پنج و پنج و بعضی شصت یکسال گفته اند بر دین سرهای مطهر شهدا و اهل بیت آنحضرت را با سپه
 بگویند از کوفه بشام نزدین بد ملعون و امر کردن آن ملعون بنجران بن شمر که اهل بیت علم التملیه بکنونی دین ایشانرا
 محرم باین برساند مؤلف کوپد علاوه بر اینکه بنای کارش این کتاب بر اخبار و اظهار رؤس و ذایع و اخبار است واقعه
 عزت انکیز بکر بلا نیز با وجود اختلاف روایات چندان مشهور است که محتاج بشرح نیست

(سپس شریک موسسان بن غم فراتاریخ را هر ساله با او و افغان از نو مجتهد میکند)

در مدفن سرفروز حضرت خامس ال عبا علیه آلاف التحية والثناء اختلاف است بعضی گویند بمدینه بردند و در جوار
 صدیقه کبری سلام الله علیه دفن کردند و برخی بر این اند که در دمشق در نزدیکی باب افراد دفن شدند بقیه جمعا

در مدینه

در عسقلان زدن سده بعد خلفای مصر آنسرمطهر را از عسقلان بقاهره برده در آنجا دفن کردند و شهید الحسین در مصر
 معروف است این بطوطه گوید در حجه پنجا باب پنجم جامع دمشق منهد سر مبارک حضرت سید الشهداء است
 ابرام عبدالله بن زبیر که در مکه اقامت داشت بر مخالفت و عدم اطاعت زبیر کشته شدن ابی بلال مراد سن بن جدیر الخطلی
 در مقابله بالشکر ابن زباد و کشته شدن جمعی دیگر از خوارج و کاتب سلم بن زباد در خراسان و مجسمان بام زبیر
 و عاصور شدن زبیر بن زباد برادر سلم از جانب او و بجهت نیز مأموریت طلحة الطلحات از جانب سلم بن زباد بجهت انزال
 کردن زبیر و عمر بن سعد را از حکومت مدینه بجهت رفتن او با عبدالله بن زبیر و نصب کردن ولید بن عتب بن ابی سفیان را
 بجای او و وفات علقمه بن قیس غمی صاحب بن مسعود بقول وفات ابن جبار و عبید و جابر بن عینک الانصاری و حمزه بن عمر
 اسلمی و خالد بن عرفطه البثنی نیز بقول در ایستاد در گذشت و وفات ام سلمه و پیوسته از زوجهات حضرت رسول بقول
 امیر پلزم، افانن پاپا از امیر اطور قسطنطنیه خواست نمود که مالیایکه هر ساله پاپ قسطنطنیه میفرستاد از آن معاف باشد
 و امیر اطور خواست او را قبول کرده معاف شد و شرط کردند که در تعیین پاپها امیر اطور که قسطنطنیه خود را خلافت
 و قبول داشته باشند (انکلیس) فوت سه مان شاعر معروف که از دیوان او فقط قصیده که در خلفت عالم کشته است

سده هجری ۶۸۱

سده هجری

اسیا غزل کردن زبیر و ولید بن عتب را از حکومت مدینه و نصب کردن عثمان بن محمد بن ابوسفیان را بجای او و ولادت
 محمد بن علی بن عبدالله بن عباس پسر سقاح و منصور فوت عبدالطلب بن ربیع بن الحارث بن عبدالطلب بن هاشم
 الهاشمی و وفات مسلم بن خالد الانصاری فوت ابو مسلم خولانی از کبار تابعین افریقا و ولایت عقبه بن نافع از جانب
 زبیر در افریقا و مقابله او با رومیها و برهم نهادن او و فتح کردن بعضی از بلاد این اقلیم را خروج کسیره بن
 کعب البربر که از مسلمین بود در افریقا و استیلائی او که تا زمان عبدالملک بن مروان در این اقلیم فرمان روائی
 داشت و در این وقت زهرین قیس و لایس افریقا یافت و با کسیره مقابله کرده او را بکشت فوت مسعود بن اجدع در
 مصر بقول

سده هجری ۶۸۲

سده هجری

اسیا اتفاق اهل مدینه بر خلع زبیر و اخراج عثمان بن محمد بن سفیان حاکم مدینه مأمور کردن زبیر مسلم بن عقبه را با
 هزار سوار بمقابله اهل مدینه و تزلزل او و مدینه از جهه حیره و مهتاشدن اهل مدینه جنگ با و حفر کردن خندق و
 وقوع قتال شدید و کشته شدن فضل بن عباس بن ربیع بن حارث بن عبدالطلب کشته شدن جماعتی از اشراف انصار
 و مهاجرین و غیره و اظرام اهل مدینه و حکم کردن مسلم که در ظرف سه روز همراهان زبیر را قتل کنند و هر چه
 بپایند غارت نمایند و باندوان در آمیزند و اینواغده در عشر آخر پنجمه واقع شده است و پیران این هتک و فک مسلم
 از باقیماندگان بیعت گرفت بر اینکه غلامان و کپران معاویه باشند و بالشکر بطرف مکه راند و بعد از دفعه پنجمه مسلم
 را مسرف خوانده اند و وفات بریده بن خصیب علقمه بن قیس از اصحاب اسلمی صحابی وفات ربیع بن خثیم کوفی را هلد
 افریقا کشته شدن عقبه بن نافع والی افریقا در جنگ با مغزبها

سده هجری ۶۸۳

سده هجری

اسیا رفتن مسلم بن عقبه از مدینه بغزم مکه و مردن او در بین راه که حصین بن یسار سکون بجای او برپا نشود
 بزوار کردن بلعامره کردن حصین مکه معظمه و عبدالله بن زبیر را ناچهل روز و نصب مخنفها بر کوه ابو قیس و

انداختن سنگ بکعبه و مسجد الحرام که عبدالله بن زبیر در آنجا بود و سوزاندن آن بانس که پس از این مدتی خبر هو
 نیز بد حصین رسید دست او را کشید و بعد از آن بر تکلیف کرد با او شام رود تا حصین عبدالله را بخلاف بردارد
 و انکار عبدالله و رفتن حصین بشام و پشیمان شدن عبدالله از اینکه تکلیف حصین را قبول نکرد فون بن زبیر بن معاویه
 در نیمه ربیع الاول درسی و هشت سال که مادر زبیر بمکه بود و در آنجا فونش سه سال و شش ماه با
 مردم بامعاویة بن زبیر در ربیع الاول که چهل و دو ماهه خلافت کرد بعدها خود اعراض از این شغل کرده مردم
 مختار نمود که هر که را خواهند خلیفه کنند و از آنها غایب شده نادر گذشت بیضا اهل مکه با عبدالله بن زبیر که بعد از
 اهل بصره و عراق و حجاز و یمن نیز با او بیعت کردند و فون مروان بن حکم بشام و دو فرزندش مردم که بکفر توبه بیعت مروان
 را اختیار کردند و فرقه دیگر تابع مختار بن قیس گردیدند و مخالفان این دو فرقه در مرج راهط از غوطه دمشق و کشته شدن
 مختار و فرقه بیعت او که بد بواسطه خلافت مروان در شام مسلم گردید و این سال با خبر رسید در حالیکه مروان
 خلیفه مصر و شام بود و ابن زبیر خلیفه حجاز و عراق و یمن خراب کردن ابن زبیر کعبه که مرثیه میرسانند و یونان کردن
 از رابضون و آل و بعضی بنو افضله را بسال بعد شنبت داده اند و لایب عبدالله بن حرث در بصره و فرار از این زیاد از بصره
 بشام مخالفان اهل مدینه میرایست فرخان را زنی مغلوب غنیمت شدند آنها از عتاب بن رواء التیمی که از جبا
 عامر بن سعوطی که کوفه بدفع آنها مانع شده بود و کشته شدند فرخان بیعت اهل خراسان با سلم بن زیاد و مخالفت
 یا و بعد از دو ماه و مطیع گردید عبدالله بن خازم اهل این اهل را بمقتله و جنگهای شدید بینه بدین جماعتی از
 دوستان حضرت سید الشهدا و وزیر کمان شیعری برای طلب خونان بن زکوار کنا کرد خوار می که ممکنه بودند از
 عبدالله بن زبیر آمدن مختار بن ابوعبیده ثقفی بکوفه بقتل فرام نمودن اسباب قتال با فاطمه حضرت سید الشهدا علیه
 و فاطمه شد ابن اوس بن زبیر را در حساب ثابت و فاطمه سوسن محضر در مکه و فاطمه بویره اشتهلی در خراسان فاطمه
 و لید بن عبید بن ابی سفیان بکوفه و فاطمه شقیون بن ثور السدوسی کشته شدن نعمان بن بشیر انصار صاحب حص

شهری

شهری

اسیاف رساندن مروان عبدالله بن زیاد را بجزیره و محاربه زبیرین حرث بقر فیسیا و مروان با اینکه هر حال
 که فتح کرد در تحت حکومت او باشد پس از اتمام کار جزیره متوجه عراق شود و این ملک را از دست شکان ابن
 زبیر خارج کند فون مروان بن حکم که زوجه او که مادر خالد بن زبیر بود او را خضر کرد و این در ستم رخصت بود
 و مدت خلافتش نه ماه و هجده روز و عمرش شصت و سه سال خروج سپاهان بنصره خراسانی بخوخواهی حضرت امام
 حسین علیه السلام و مخالفان او با سپاه شام در عین الورد که از شهرهای بلاد جزیره است و کشته شدند او و کشته
 شدن مستبین نجبه و جمعی دیگر و این واقعه در ربیع الاخر بود خلافت عبدالملک بن مروان و بیعت مردم با او در
 رمضان رسیدن خیر فون مروان در جزیره باین زیاد و مامور شدند او از جانب عبدالملک همان ماموریتی که در وقت
 کشته شدن نافع بن ازرق و خوارج و منزه شدند بقتل او که معروف با زانو فرمایند معزول کردن عبدالله بن
 زبیر برادر خود عبیده بن زبیر را از حکومت مدینه منصوب کردن مصعب بن زبیر برادر دیگر خود را بخار و این جا
 سلمی و بنی تمیم در خراسان ظهور طاعون شدید در بصره و اینها و فاطمه عبدالله بن عمرو بن عامر السهمی در مصر
 که در اخر عمر کور شده بود و بعضی فون او را در سال شصت و هشت نوشتند

از مهلب بن ابراهیم

شهری

شهری

اسیا فرج مختار بن ابوعبیده ثقفی در کوفه بجهت خویشاوندی حضرت سید الشهدا علیه السلام جمع شدن جمع کثیر
 دوران و بیعت کردن با او و پیروان کردن عبدالله بن مطیع عامل ابن زبیر را از کوفه و نمکن آورد کوفه و بدینسان در
 شمر ذی الجوشن و کشتن او و کشتن و سوزاندن خولی اصبحی و کشتن عمر سعید و حفص بن عمر را و فرستادن سر این دوران
 برای محمد بن حنفیه و فرستادن مختار امرای بولایات برای ضبط و حکمران بلاد و بعضی کشتن شمر و غیره از فانیان سید الشهدا
 علیه السلام را بسال بعد نسبت داده اند بعت شتی عبد با مختار اظهار میل کردن مختار با طلعت و معاونت محمد بن حنفیه
 حبس کردن ابن زبیر محمد بن حنفیه را برای اخذ بیعت نوشتن محمد با جوار مختار و لشکر فرستادن مختار بکربلا و خلاص کردن
 محمد را از حبس مقاتله ابن حازم در خراسان با اشخاصی که از طایفه نوبختی بودند فرستادن مختار ابراهیم بن مالک اشتر
 با عساکر جنگ عبدالله بن زیاد در عساکر خود بجهت انبسال و فانیان سائین حارث بن اسلمی از اصحاب صفیه بقولی استیلا
 بجزه حوری برهمامه و فانیان زید بن افریقا و فانیان عدی بن عامر مدینه بقولی افریقا ظهور طاعون سخت در مصر

سده سی و هفتم

سده هجری

اسیا مقاتله ابراهیم بن مالک بالشکر عبدالله بن زیاد در حوالی موصل و غلبه عساکر ابراهیم و کشته شدن
 عبدالله بن زیاد بدست ابراهیم و فرستادن ابراهیم سر او را با سر حصین بن نمیر و سر حبل بن ذوالکلاع و سر رقیعه
 محارب بعضی سرها دیگر از سران سبائین زیاد بکوفه نزد مختار و فرستادن مختاران سرها را با سی هزار دینار بکربلا
 نزد محمد بن حنفیه و مصطفی شدن تمام ولایات کوفه نامد این و در بار رجب غیر مختار را و الی کردن عبدالله بن زبیر
 مصعب بن عمیر را بصره و طلبیدن مصعب بن ابی صفیه را از خراسان و همراهی کردن او را با عساکر بشار بن
 کوفه و جنگ با مختار و قتال شد بکربلا شکست خورد مختار و مغلوب شدن عساکر مختار داخل شدن مصعب بکوفه
 و محاصره مختار در قصر دار الاماره و جنگ کردن مختار تا وقتیکه کشته شد و مقبول شدن بعت مختار که هفت با
 شش هزار نفر بودند کشته شدن عمر بن علی بن اسطالب علیه السلام در جنگ که با فاشون مصعب همراهی داشت فرستادن
 مصعب سر مختار را با فتح نامه بکربلا نزد برادر خود عبدالله بن زبیر فوئاحنف بن قیس تابعی در کوفه و بعضی فوئاحنف
 در سال هفتاد و یک و بر خیزد در سال شصت نه نوشتند و احنف ابو جرح الضحاک بن قیس بن معاویه بن
 حصین بن عباد است که معروف با حنف شده و در حمله ضرب المثل میباشد عزل مصعب از ولایت عراق بحکم عبدالله بن
 زبیر و نصب عمر بن عبدالله بجای او بقولی امری یا معاهده روسین امیر طور فسطاط بنی با عبد الملك بن مروان
 باینکه طایفه مرزبان که عیسوی مذاهب معتقد در کوهستان شامات سکنی داشتند با مسلمانان جنگ نکند (فرانک)
 پین نامی بدو اینکه لقب سلطنت قبول کند در این ملک سلطنت بنمایند اولاد سلاطین قدیم را بدی دخل بسازد

سده سی و هشتم

سده هجری

اسیا عزل عمر بن عبدالعزیز و ولایت عراق و نصب مصعب بجای او و مراجعت مصعب بانولایت حرب عساکر ابن زبیر با
 خوارج در فارس و عراق مقاتله عتاب بن ورفاء الریاحی که از جانب مصعب حکومت اصفهان داشت با اهل
 که معاونت خوارج نموده بودند و فتح کردن عتاب بن ابیغلبه مقاتله عبدالله بن الحارث الجعفی با عساکر عبدالله بن
 زیاد بقصد خروج امر عبد الملك بن مروان و مغلوب شدن و هلاکت و اجتماع چهار لواد در عرفات که یکی از ابن
 حنفیه و دیگری از ابن زبیر و ستمی از بنی امیه و چهارمی از بخت حره وی بود و فانی عبدالله بن عباس عم حضرت
 رسول بقولی فانی و فانی که اسمش حرث بن مالک بود و فانی ابو شریح خزاعی که اسمش خولید بن عمر بن زبیر

وفات عبدالرحمن بن حاطب بن ابی بلتعنه

سده هجره

سده هجره

اسيا مخالفت عمرو بن سعيد اشرف با عبد الملك وكشته شدن او بحكم عبد الملك عصيان اوجه در شام ظهور طاعون در بصره بنای صخره قدس با عبد الملك وفات ابوالاسود وثلی واضع علم نحو که فاضل بصری بود
افریقا قتل زهیر بن قیس امیر افریقیه

سده هجره

سده هجره

اسيا رفتن مصعب بن اموال و دوای زیاد بکے معظمه و تقسیم ان اموال بر قوم خود وفات عامر بن زینر
خطاب امر یا غلبه رومیان بر شامیان و مصاحبه عبد الملك با انها با اینکه هفتاد هزار دینار آنها بداد

سده هجره

سده هجره

اسيا تخمیر و توجه عبد الملك بطرف عراق و تخمیر مصعب بن عقیله او و ندادن قتیق در دیرها تلبیخ در نزدیکی
نهر دجله خلف بعضی از اهل عراق از مصعب که در باطن با عبد الملك ساختن بودند مقاتله فریقین و کشته
شدن ابراهیم بن مالک و مصعب بن مصعب و شش سال بود و حضرت سکنه بنت حضرت سید الشهداء
و عایشه دختر طلحه در جباله نکاح او بودند و رود عبد الملك بکوفه و بیعت مردم با او و تمکن او در عراقین که
پس از عوف از عراق بشیر برادر خود را در این ولایت والی کرد و ولایت خالد بن عبدالله در بصره با عبد الملك فتح
کردن عبد الملك فیساریه را بقول عزرا کردن عبدالله بن زبیر جابر بن اسود بن عوف را از حکومت مدینه
و نصب کردن طلحه بن عبدالله بن عوف را بجای او و این آخرین والی ابن زبیر بود در مدینه فوت براء بن عازب رکوفه در
لحار و مصعب وفات زید بن مضرع الحمری الشاعر وفات رافع بن خدیج انصار بقولی و عوف بن مالک انصار صحابی

سده هجره

سده هجره

اسيا فرستادن عبد الملك بن مروان حجاج بن یوسف ثقفی را بالشکره بکے جنگه بمال الله بن زبیر و آمدن حجاج
در جادی اولی بطایف جنگهای عدیه فیما بین لشکر حجاج و جیش ابن زبیر و محصور کردن حجاج ابن زبیر را در مکه
و نصب مخنف و انداختن سنک به بیابان الحرام و محاصره در کار بود که سال بسیر سپید خروج ابی فریک خارجی ازین
قتل زینب بنت علی و او بر بحرین و کشتن نجده بن عامر حنفی را مقاتله ابن حازم با بکر بن و ساج که ارجانبنا و حکومت
داشت قبول دعوت عبد الملك کرده بود و کشته شدن ابن حازم و ولایت بکر در خراسان فوت عبیده السملانی
از اصحاب علی علیه السلام

سده هجره

سده هجره

اسيا کشته شدن عبدالله بن زبیر در مقاتله با حجاج پس از هفتاد جنگ در ماه جادی الثانیه و عمر ابن زبیر
هفتاد و سه سال و اول مولود بی که بعد از هجرت از مهاجرین متولد شد و عدت خلافتش نه سال بیعت اهل عجاز و
بن با عبد الملك و اجتماع ناس بر طاعن او وفات عبدالله بن عمر بن خطاب سه ماه بعد از کشته شدن ابن زبیر و ولایت
محمد بن مروان بر عبد الملك در جزیره و ارمینیه رفتن عساکر بصره و کوفه بچنگ ابوفریک و کشتن او عزرا کردن عبد
الملك خالد بن عبدالله و از حکمرانی بصره و نصب کردن بشیر را بجای او که ولایت بکوفه را بر داشت و وفات اسامه دختر
ابوبکر معروف بنات النطاقین که مادر عبد الله بن زبیر بود کشته شدن عبدالرحمن بن عثمان بن عبدالله که شیر برادر

طلحه بن عبدالله بود و با این زبیر کشته شد و پادشاه کردن محمد بن مروان بار و مپها و شکست دادن آنها جنگ عثمان
ولید بار و مپها از طرف زبیر

سده هجری

سده هجری

اسیا خراب کردن حجاج کعبه را و بیرون آوردن حجر الاسود از بیت بنامی بیت بوضعی که در عهد حضرت رسول بود
امارت حجاج در حجاز و عزل طارق از مدینه عزله بکبر بن و ساج از خراسان و ولایت امیر بن عبدالله بن خالد بجای او
فرستادن امیر بن عبدالله بن خود عبدالله بن امیر بن حکومت بختنا و فانت بشین مروان امیر عراقین در بصره و فانت
عمر بن مینا اودی از معمر بن بقول فانت عبدالله بن عبید بن مسعود بقول فانت ابو سعید بن علی الانصاری و فانت
اوس بن ضعیج الکوفی و پادشاه جنگ محمد بن مروان در روم و رسیدن او به اندولیه افریقا دادن عبدالملک و ولایت
افریقا را بحسان بن نعمان و در وقت او با بن اقلیم بالشرکه حرار و رفتن او بقره و ان و بقره و رفتن بقره طاجنه و
مفائله با امیر انجا و فرار لشکر بر روم بعضی بصفیله برخی باندلس بواسطه سفاین و خراب کردن بعضی اماکن و فضا
را و غلبه بر بیست از شهرهای افریقه و مفائله با کاهنه که ملکه افریقه بود و شوکت و اقتدار تمام داشت و حکم کردن
کاهنه خراب نمودن افریقه بجهنم و اوس شدن عساکر عرب مقبول شدن او با مال بدست عساکر حسا و مصف
شدن این اقلیم اودا

سده هجری

سده هجری

اسپا دادن عبدالملک و ولایت عراق و حجاج و رفتن حجاج از مدینه بکوفه و ولایت سعید بن اسلم بن ذر عتر رسند
از جانب عبدالملک کشته شدن او و فرستادن عبدالملک بجای سعید بن سعید تمیمی را بجای او و غلبه بجای او در سند شورش
اهل بصره بواسطه سختی حجاج و کسر شان مردم مفائله مهلب بن مخنف با خوارج با حجاج و راندن آنها از راه
و کشته شدن ابن مخنف حجاج کردن عبدالملک را با خروج رومیها و جمعیت آنها در غنق از ناحیه مرعش و جنگ محمد
مروان با آنها افریقا خروج رباح زنگی ملقب بشیر زنگی با جماعتی از زنگیها و جمع شدن در نزدیکی فزات و مفائله
عساکر حجاج با آنها و کشته شدن شیر زنگی و منفرت شدن اصحاب او

سده هجری

سده هجری

اسیا خروج صالح بن مسرج بمعاونت شیب بن زید بن نعیم الشیبی اخارج و کشته شدن او بدست عساکر حجاج که
در تحت فرمان حرث بن عمیره بن ذی العشار بودند و بیعت بعهده صالح بعد از کشته شدن او با شیب و منضم نمودن
حرث بن عمیره را و بالا گرفتن کار شیب و جنگها عده او با حجاج حکم کردن عبدالملک بسکه زدن دهم و دینار که این
سکه بود که در اسلام زده شد اگر چه بعضی گفته اند مصعب بن زبیر در زمان عبدالله بن زبیر قلیله در اهم
مسکوک نمود و این روایت ضعیف است خلاصه پیش از این اعراب مسکوکات رومی ابراز داشتند بواسطه
آن معاملات خود را با پادشاهان حکومتها با بن عثمان در مدینه و کادش مروان بن محمد بن مروان را پادشاه
محمد بن مروان بار و مپها در ناحیه طبر امیر طور روشن در مدینه است که بکشت علی الغفله بواسطه فتون تمام
اهالی قسطنطنیه را بقتل رساند اهالی قسطنطنیه مطلع شده او را از سلطنت خلع کرده امیر طور مغزول خود را
بمیان بلغار انداخته بناه میجوید

سده هجری

سده هجری

اسیما هلاکت شیب و سر حیر جبل اهواز بافتادن از اسب و غرق شدن در آب بعد از جنگهای زیاد که با عساکر
 حجاج کرده بود و بعضی هلاکت ثبیت بوجه دیگر ایراد کرده اند خروج مطرف بن مغیره بن شعبه و کشته شدن او بدست
 عساکر حجاج بعد از قتال شدیدی اختلاف میان ازاد و از خوارج که بعضی تبعه مطرف شدند و برخی تابع عبد ربته کبیر
 گردیدند و جنگ در فرقه با هم و رفتن فطری پس از نگاه جنگ بطرف فطرسنان و جنگ عظیم مهلب با عبد ربته کبیر
 در توابعی چهرت و کشته شدن عبد ربته و مغرف شدن اصحاب او و دان مهلب حکومت کرمان را بر زمیند پس خود و فرزند
 نزد حجاج و معظّم داشتن حجاج او را فرستادن حجاج لشکره بطرف تنابیع فطری و کشته شدن فطری و عبیده بن
 هلال و انقراض ازاد و کشته شدن ابن دوفرا و اولین رئیس ازاد فراع بن ازرق بود مخالفت و مقاتلت بکرب و شاکا
 با امیر بن عبدالله بن خالد بن اسد بن ابی العیصن امیر حکمران خراسان و کشته شدن او با امر امیر عبور کردن امیر
 از نهر و محاصره نمودن بلخ و مراجعت امیر و فوت جابن بن عبدالله بن عمر و الانصار **امر و یا جنگ و لید بن عبد الملك**
 بار و مها و فتح مغربه

سده ۶۹۷ مسیحی

سده هجری

اسیما غزل کردن عبد الملك امیر بن عبدالله و از حکمرانی خراسان و سجستان و ضمیر کردن این ولایت را بحکومت
 حجاج و فرستادن حجاج مهلب بن ابراهیم و حجاج امیر خراسان و عبدالله بن ابی بکر را بحکومت سجستان و قاصد الرحمن
 بن عبدالله الفارسی در هضاد و هشت سالگی (فارتی بشد پادشاهت) و قات زید بن خالد الجهنی بقول و قات عبد
 بن غم الاشرع و فوج موسی بن نصیر مغرب بقول **امر و یا** (و تبر) تعیین دژ یعنی رئیس جمهور با انتخابها
 در این شهر که چندین مائت هزار بود **افریقا** حسان که از جانب عبد الملك والی افریقیه بود مجدداً شهر
 فیران را که از تصرف مسلمین خارج شده بود فتح کرد

سده ۶۹۸ مسیحی

سده هجری

اسیما جنگ عبد الله بن ابی بکر حاکم سجستان با و تبیل که تبعه او جامعاً نراک بودند و گاهی در ادای خراج
 اطاعتها و نهمونید و زطاعون شدید در شام استغما شرح قاصی کوفه از فضاوت و فضاوت ابابره بن
 ابی موسی بجای او فوت محمد بن ربیع مکنی با ابواب ابراهیم که در عهد حضرت رسول ^ص منولد شده بود و قات عبد الرحمن
 عبدالله بن مسعود **امر و یا** نژاد اهل انطاکیه بار و مهنا و غلبه بر انها **افریقا** حسان والی افریقیه پس از فتح
 فیران چنانکه ذکر شد شهر کزنا را که یکی از شهرهای مغرب افریقیه و واقع در مراکش بود فتح کرده اهلالی را قتل
 علم کرد و شهر را چنان ویران کرد که هنوز آبادی نیافته

سده ۶۹۹ مسیحی

سده هجری

اسیما آمدن سبیل عظیم در حجاز و مکه و اسپه سائیدن حجاج و غرق کردن خانه های مکه را و رسیدن بر کن کوفه
 طویلی این سبیل شد بود که شتر را با یار میزد و ایستاک را عام حجاج نامیدند بر زطاعون شدید در مصر عبور
 مهلب والی خراسان از حیون و جنگ او در ماوراء النهر فرستادن حجاج لشکر بغزای تبیل و فتوحات این لشکر با اخذ
 غنایم بسیار و قات ابودریس حولانی فقیه شام و حلب و قات عبدالله بن جعفر ابیطالب بقول کشته شدن معبد بن
 عبدالله بن علم جهنی اول شخص ایدر ربه با مر عبد الملك با امر حجاج و قات محمد بن علی بن ابیطالب علیه السلام و قات جعفر
 و قات جناده بن ابره و قات سائب بن یزید خواهر زاده عمر بقول و قات سوید بن علفه و قات عبدالله بن ابی اوفان و او

صحابه بود که در کوفه درگذشت و فاطمه جبر بن نهر بن مالک الحضری و فاطمه عبدالله بن جعفر طیار و ابوامامه ولادت ابو جعفر

سند مسیحی

سند هجری

اسیا فتح فایض بدست مروان بن عبدالملک کشته شد بجزین و وفاء القویم و خراسان بدست صعصعه بن حرب العوفی از هواخواهان بکین و ساج و کشته شد صعصعه با مرهلب داخل شدن جماعتی از بلم بفرزین که سرحد مسلمان بو بطرف بلم و ثمال مسلمان با آنها مغلوب و مغلول شدند بلم مخالف عبدالرحمن بن محمد بن اشعث با حجاج و اسناد حجاج از عبدالملک و درو عبدالرحمن بصره در ذیحجه و بیست و نهم با او که در خراسان سال سیمتاشا و کرمان و فارس و بصره بدست عبدالرحمن بود

سند مسیحی

سند هجری

اسیا مقاله حجاج با عبدالرحمن بن محمد بن اشعث که ابتدا عساکر حجاج مزین بافتند و در جنگ بکر لشکر ابن اشعث شکست یافته و ابن اشعث بکوفه آمد و در اینجا اسقفی هم سپاسند چنانکه اهل بصره بعد از عزیمت ابن اشعث بکوفه با عبدالرحمن بن عثمان در بیعتن الحرت بن عبدالملک مقاله شد با حجاج در طرف پنج شب و پیرانان پوسن ابن اشعث انواقه آخره موسوم بوم الزاویه شد و فقه بر حجاج در شعبه اینسال و بعضی فقه بر حجاج را در سال بعد گفته اند و تفصیل انواقه اینست که حجاج از بصره بفرم فمال ابن اشعث بطرف کوفه آمد بدین فرقه منزل کرد و ابن اشعث از کوفه خارج شده بدین حجاج آمد و جمعیت فتن عظیم شد و مشغول فمال شدند و عبدالملک بجهت اطماین ابن مابر عبدالله پیر خود را با محمد بن مروان برادر خود نزد اهل عراق فرستاده که اگر قصد شما عزل حجاج است من او را مغرول میکنم و شما دست از جنگ بکشید و ابن اشعث بصره می که نخواهد که باشد و بمشار الهما عبدالملک حکم کرد که اگر اهل عراق تمکین با بنی هاشم مکنند حجاج بولا بفرستد باقی باشد شما نیز در تحت حکم او بقتال مشغول شویند عبدالله و محمد بدین حجاج آمد و پیغام عبدالملک را رسانیدند و مردم تمکین نکردند و روز جنگ در کار بود و فاطمه بن مهلب و خراسان صلح مهلب و خراسان با اهل کس از ما و راه النهار و مراجعت بمر و فاطمه بن ابی صفه و والی خراسان و ولا بنیز بدین حجاج و عزل کردن عبدالملک ابان بن عثمان را از حکومت مدینه و نصب هشام بن اسمعيل مخزومی بجای او جنگ محمد بن مروان با ارمینیه و شکست دادن آنها را و مصالحه با آنها که با شیخ بن عبدالله را والی ارمینیه کرد و بعدها ارمینیه را بکشتند کشته شدن عبدالله بن شداد بن الهاد اللیثی در جنگ و فاطمه ابوالجوزاء و اوس بن عبداللہ القاری و عطاء بن عبدالله السلیم العابد و فاطمه زادن و ابواوائل و عمر بن عبدالله بن معمر النخعی و ابوامامه الباهلی بقولی و فاطمه خالد بن زید بن معاویه

سند مسیحی

سند هجری

اسیا بقیه و فقه بر حجاج که در مدینه بکشد سه روز جنگ فینا بین حجاج و عبدالرحمن بن محمد بن اشعث در کار بود و پس از انقضای مدینه مذکور ابن اشعث نیز مرشد اختام این و فقه در چهاردهم جادی لآخره بود و فقه مسکن یعنی آمدن ابن اشعث بصره و در محل معروف بمسکن بجهت جنگ حجاج نمودن و جنگهای شدیده که بالمال ابن اشعث بچنان گرفت و بر قبیل پیوست و از او با کرام ناپل آمد و بعضی از منافقین با او بخراسان رفتند با بن مهلب جنگ کردند و مغلوب شدند و نیز بعضی از انظار اسیر کرد و چند نفر از آنها را نزد حجاج فرستاد و حجاج آنها را بکشتن با کردن حجاج شهر واسط فرستادن حجاج اهل و عیال خود را بتمام از خون ابن اشعث و فاطمه و ثماله بن اسقع رصده پنجسالگی بود و فاطمه زین جبر در مدینه بدست و دو سالگی و فاطمه ابواوائل شقیق بن سلمه الاسد الکونی و ولادت امام جعفر صادق علیه السلام

سده هجری ۱۴

سده مسیحی ۷۰۳

اسیاف فتح کردن پسر بن مهلب از خراسان قلعه تریک را در باد عیس جنت محمد بن مروان در اردبیل و سوختن کتابها بن
ولا بنکه اینسال را سنه الحرقه گفتند و قات عبدالله بن حرب بن نوفل امر پیا جنگ عبدالله بن عبدالملک بار و مهملو فتح
مصبه ساخن قلعه گذاشتن سه هزار نفر از عساکر اسلام در این قلعه پیش ازین بقول ابونوفل مسلمین در نخل سکنی نکرده

سده هجری

سده مسیحی ۷۰۴

اسیاف خواستن حجاج ابن اسفند از بقیل بوعده و عده مواضع کاشتن حجاج بار بقیل با بنکه او سر این اشع
برای حجاج فرستاد هفت سال آزادی خراج معاف باشد و فرستادن رقیل سر این اشع برای حجاج و بعضی ملا این
اشع انبال قبل نسبت داده اند عزل کردن حجاج بن یزید بن مهلب از ولایت خراسان و نصب مفضل برادر او بجای او جنگ
مفضل در یار عیس و فتح کردن و دریافت غنیمت بسیار کشته شدن موسی بن عبدالله بن حازم بعد از پانزده سال اقامت در
مادراء النهر و غلبت دان بلاد و جنگهای عظیم با عساکر عرب و شوز که اخرا مرید است عساکر مفضل که جنگ او فرستاد
بوزاید آمد و قات عبدالعزیز بن مروان در مصر و بعث کردن برای ولید بن عبدالملک بولایت عهد و ولایت عبدالله بن
عبدالملک در مصر جنت محمد بن مروان در اردبیل و قات عمرو بن حرب بن الحزمی و قات عبدالله بن حرب بن حراء الزبیدی
بقول قات عبدالله بن عامر بن ربعه بنای شهر در بیل بصلحت محمد بن مروان امر پیا امر عساکر اسلام از رومها
افریقا بر روی بای عظیم در مصر

سده هجری

سده مسیحی ۷۰۵

اسیاف و قات عبدالله بن مروان بن حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف در پنجم شوال در شش سالگی
باشفت و سه سالگی که مدینه خلافتش از وقت کشته شدن عبدالله بن زبیر تقریباً سیزده سال و چهار ماه بود بیعت
با ولید بن عبدالملک بعد از دفن عبدالملک و ولایت قتیبه بن مسلم در خراسان از جانب حجاج و فوجا و در ماوراء النهر
حسب کردن حجاج بن یزید بن مهلب را و عزل کردن حبیب بن مهلب از حکومت کرمان قوت نصیر بن ذویب الخزاعی که در سال
اول هجرت مؤلف شده و مهملو در عبدالملک بوفات عبدالله بن ابی الوفاء الاسلمی بقول قات لاقون حید ابو عجاز
السدوسی امر پیا جنگ مسلمین بن عبدالملک بار و پها

سده هجری

سده مسیحی ۷۰۶

اسیاف عزل هشام بن اسمعیل از حکومت مدینه و امارت عمر بن عبدالعزیز در این طده طتیه حکم ولید بن عبدالملک تا
عمر بن عبدالعزیز اساس معذک را صلح قتیبه بن زبیر ططرخان صاحب باد عیس فتح قتیبه بیکند را که نزدیک ترین شهر ولایت
بخارا بود همچون و در یافت غنایم بسیار و قوت گرفتن مسلمین در اینجند و قوت عبدالله بن عباس بن عبد شمس و بقول
وقات مطرف بن عبدالله بن شجر در طاعون سختی که در بصره بروز کرد و بوفات مفدا بن معد کرب گندی بقول
وقات امیر بن عبدالله بن اسید امر پیا کوند و اینسال مسلمین بن عبدالملک در روم جنگ کرده جمع کثیری داد
سوسه از ناحیه مصبه بکشت چند قلعه فتح کرد و بزیم بعضی در اینسال هشام بن عبدالملک بن مروان پراخت
و قلعه بولق و قلعه خرم و بولس و ققم را گرفت و تقریباً هزار نفر از مسلمانان آن نواحی را بقتل رسانید و اهل و عیال
انهار اسپر کرد

در سنین دوم امپراطور معاونه طاقت طبار و در بفسطنطنیه نموده انجار او شهر را و ن را قتل عام کرد

سده هجری

سده ۷۰۶ هجری

اسیما آمدن ولید بن عبد العزیز که حجرات رولج رسول الله را داخل در مسجد آنحضرت کند و نیز از اطراف مسجد خرابه بن مسجد بفرزاید ناد و بسبب فرغ در دو و بسبب فرغ شود و ولید با امیر اطور مکتوبی نوشتند و در این مقصد خود یعنی عمارت مسجد رسول الله را خبر داده امیر اطور معاونت را صد هزار مثقال طلا و صد نفر کارگر صاحب صنعت و بعضی مالزم دیگر نزد ولید فرستاد و بندها را نیز در عمر بن عبد العزیز فرستاده و عمر اقدام بکار مسجد کرد چنانکه قبینه در ماوراء النهر و غلبه او آمد کردن و ولید به بنای جامع دمشق امر و ولید عمر بن عبد العزیز در سطح طرق و کندن چاهها و فراهم نمودن مویجات سابق عامه و فاطمه بن سهل بن سعد ساعد بقولی و فاطمه عمر و معد بکرب و فاطمه عبدالله بن لیسمازنی از مازن بن منصور و این شخصی است که رو قبلی بن نماز کرده و آخر صحابست که در شام در گذشت

امری با جنک مسلم بن عبد الملك بار و مپها و فتح طوانه از شهرهای روم

سده ۷۰۷ هجری

سده ۷۰۷ هجری

اسیما عبود کردن قبینه از چچون و جنگ ماوراء النهر و مقاله باوردان خداه پادشاه بخارا و مراجبت قبینه بمرو و ولایت خالد بن عبدالله فرستد در مکه بقولی راندن محمد بن القاسم بن محمد بن حکم بن ابی عقیل عامل حجاج در تغرب سند و سند گرفتن بعضی از شهرهای این مملکت و مقاله دهر پادشاه سندها محو و کشته زامر و فتن عساکر اسلام ناملسا و لاهور هند و نابل شدن مسلمین بغنایم کثیره بعضی قبلیه را سرداران لشکر نوشتند جنک مسلم بن عبد الملك در آذربایجان و فتح بعضی از فلاح این مملکت و فاطمه عبدالله بن ثعلب بن صعیر العذری حلیف بن زهره **افریقا** و فاطمه غلام عطاء الله بر سعد بن ابی سعید در افریقیه مامور کرد و ولید موسی بن نصیر را بولایت افریقیه و رقیق او با این اقلیم و مامور کردن عبدالله بن خوی در افریقا مامور کردن هارون پسر دیگر خود را بناحیه بکر بن قنقل و خود نیز از جهتی بخارا بفرستاد و هر یک علیه کرده عیاش بسبب بدست آمدند و مواضع علیه را فتح نمودند که از جمله طنجیر بود و موسی طاز بن زیاد غلام خود را عامل طنجیر فرار داد و لشکر جزای مصحوب همراهم نمود با جمله افریقیه بدین مذاق در تحت حکم ابی موسی بن نصیر درآمد و بعضی گفته اند موسی بن نصیر را در سینه هفتاد و هشت عبد العزیز بن مروان که از جانب عبد الملك بن مروان در مصر حکمران بود بولایت افریقیه داد

مصر حکمران بود بولایت افریقیه داد

سده ۷۰۸ هجری

سده ۷۰۸ هجری

اسیما فتح بخارا بدست قتیله الخراسان مصاحبه سلطان سفد با قتیله را دای خراج غنایم ترک با قتیله و فتح کردن قبینه طالقان را و قتل عام نمودن فرزند بن مهلب فریادان او از زندان حجاج و فاطمه مالک بن انس انصاری بقولی و فاطمه ابوالعاصی و فاطمه نصیر عاصم لثمی بخوی امری با جنک مسلم بن عبد الملك بار و مپها و گرفتن پنج قلعه از سوریه و جنگ کردن عیاش بن ولید در خاک که او نیز راندنا سوریه گرفتن رومیها خالد بن کلبان صاحب عجم را و فرستادن سلطان روم او را نیز ولید **افریقا** در این سال مملکت مغرب کابل و نصر و اعراب درآمد جزایر الامار را در دریای سفید مغرب فرستادند عزرا عبدالله بن عبد الملك از مصر و نصبت فرزند شریک بجای او

سده ۷۰۹ هجری

سده ۷۰۹ هجری

اسیما مقاله قبینه با بترک و محامره او و امان دادن قبینه بترک را و آمدن بترک نزد او و امر کردن حجاج بقبینه بواسطه نامه که بترک را بقتل رساند و کشتن قبینه بترک را و جمع کثیری از اعوان او را بخالف پادشاه شومان کوش

و سف با قتیبه و فتح کردن قتیبه ابن بلاد را و کشتن پادشاه شومان را و سوزاندن فاریاب که محرفه نامیده شد
حج کردن و لید آمدن بمدينه و بازید مسجد رسول الله که بام او عمارت یافته بود عزل کردن ولید محمد بن مروان را
از جزیره و ارمینیه و نصب کردن مسلمة بن عبد الملك را بجای او و جنگ مسلمة در مملکت آذربایجان که نادر بنیدراند و
شهرها و قلعه ها فتح نمود بنصب صحیفها بآن بلاد و قلاع ارمی و یا جنگ عبدالعزیز بن ولید بار و مهیا ما بین طابغه
فراک و درمن که شپرس بود ند جنگ و خونریزی که سه سال امتداد یافت در ساحل و درین روی باد

سده سی و یکم

سده هجری

اسپانیا جنگ قتیبه در سجستان بقول و در قتیبه سجستان بزم قنار بارئیل اعظم و آمدن فرسناد کان رقیب قتیبه
و درخواست صلح و قبول کردن قتیبه عامل فرار دادن عبدالعزیز بن عبدالله لیس را برایشان و باز کشتن و قاتل مالک بن
بن الحکامان البصری از اولاد نصر بن معاویه در مدینه ارمی و یا و در عساکر موسی بن نصیر بجزیره سر دانه در بحر مدی
که بعد از جزیره صقلیه اعظم جزایر بود و بدست آوردن غنایم بی شمار جنگ مسلمة بن عبد الملك در خاک روم و فتح نمود
ثلاثه و جلادادن اهل سوسن را ببلاد روم و بقیه پادشاه اسپانول و آن نواحی بواسطه ظلم و تعدی از سلطنت
خلع شده و در ربک (در ربیع) بجای او منصوب گردید بعضی ورود طاری بن زیاد غلام موسی بن نصیر را باندلس
از وقایع این سال شمرده چون در کتب معتبره در ضمن سوانح سال بعد نوشته شده ما نیز چنان نمودیم

سده سی و دویم

سده هجری

اسپانیا رفتن قتیبه با عساکر هزار اسب شهرها خوارزم و مصالحه خوارزم شاه با قتیبه و فتح تمام جزیره فتح کردن قتیبه
سمرقند را و بدست آوردن دخترها از اولاد بنی جرد پادشاه عجم در سفد و فرسنادن او را نزد حجاج که حجاج از آن نزد
فرسناد و بنی بن ولید از او منول شد عزل کردن ولید عمر بن عبدالعزیز را از ولایت حجاز و حکومت خالد بن عبدالله در مکه
و حکومت عثمان بن حیان در مدینه و قاتل ابوالشعراء جابر بن زید و قاتل بلال بن ابی سدهاء انصار قاضی مشق ارمی و یا
جنگ عباس بن ولید بار و مهیا و فتح سبسطیه و مرزبانین و طرسوس جنگ مروان بن ولید بار و مهیا و راندن ناخبره جنگ
مسلمه بار و مهیا و فتح ماسیسه و حسن الحدید و غیره از ناحیه ملطیه و وسین امیر طورقسطنطنیه از سلطنت خلع شد و این
آخرین پادشاه بود از نسل هرقل (اسپانول) دشمنان و در ربک (در ربیع) پادشاه جدید اسپانول موسی بن نصیر را
که از طرف ولید حکومت مغرب داشت عوث نمودند و بنی طاری غلام خود را با هفت هزار نفر از عساکر اسلام بجای
اسپانول مامور ساخت و طاری با سپاه خود در خاک اروپا و حوالی کوه کلبه که حالا بجبل الطاری معروف است
ورود کرده در ظرف پانزده ماه عساکر اسلام نفرها تمام اسپانول را منصرف شدند فقط ابالمن کوهستان آشور
بدست عیسویان ماند **افریقا** خشک سالی در این اقلیم و استسقای موسی بن نصیر و نزول باران

سده سی و سوم

سده هجری

اسپانیا کشتن حجاج سعید بن جبیر را که عبدالرحمن بن محمد بن اشعث خروج کرده بود و اختلال عقل حجاج همین جهت قتل
قتیه در شام (حاج) و فرغانه و خجند و فتح کردن کاشان شهر فرغانه را زلزله های شدید در شام که چهل روز
کشید زلزله انطاکیه است زلزله بود فتح کردن قاسم بن محمد ثقفی بعضی را ضعیفند و از حال حضرت امام زین العابدین
علیه السلام و قاتل عروه بن زبیر و سعید بن مسیب و ابوبکر بن عبدالرحمن بن حریث بن هشام ارمی و یا جنگ عباس بن ولید
در خاک روم و فتح انطاکیه جنگ عبدالعزیز بن ولید بار و مهیا که ناغرا را ندانند مقاتله ولید بن هشام معبطی را نزد

وراندن تا برج حمام مقاله نبرد بن ابی کبشه بار و مپها و راندن تا ارض سوریه

سده سی و سه

سده هجری

اسیانا فال قیبه در شاش (چاچ) بعاونت سپاهی که حجاج از عراق بامداد او فرستاده بود که در بین خبر فون حجاج باو رسید و مراجعت کرد و ولید نامد با و نوشتند او را سامور بهمان امر کرد و فاث حجاج بن یوسف ثقفی که بسبب سال حکمرانی عراق داشت فسخ عباس بن ولید قنبر بن را ولادت منصور عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس و فاث ابو عثمان النهدی بقولی که امش عبدالرحمن بن مل بود و صد و سی سال عمر داشت و فاث سعد بن اباس ابو عمرو الشیبی که صد و بیست سال عمر داشت و فاث ساله بن ابی الجعد و فاث جعفر بن عمر بن امیه خمری برادر رضاعی عبدالله بن مروان فو حاکم عساکر اسلام بلاد افاصو هند را سوای کبرج و سند امروپا اعراب را در اسپانیا و در سایر نقاط اروپا و نامیدند زیرا که اغلب لشون ایشان از او طلبان ناچتر مورثانی از نواحی افریقیه بودند و در این سال بود که ملکت اسپانیا از طرف خلفای بنی امیه خیمه حکمرانی مغرب کرد بد عز و مسلمة بن عبدالملک در بلاد روم عز و عباس بن ولید در بلاد روم و فتح عرفله و غیرها

سده سی و چهارم

سده هجری

اسیانا فتح کاشغر بدست قلی بن مسلم والی خراسان که بعد از این فتح تا حوالی چین تا حین آوردن از خاقان چین هدیه و جزیه گرفته خراسان عو کرد ایجاد مناره بجهت مؤذنین مساجد در خلافت ولید سفرای ولید که از دمشق حرکت کرده بودند بعد از عبور از ایران و ترکستان از کاشغر گذشتند چین رفتند و عهد بخارنی با آن دولت منعقد نموده از این بعد ناچندین مراد و بخارنی اعراب با کائنات چین از راه سمرقند باز بود و فاث ولید بن عبدالملک در نیمه حاد الاخره در در برتران که عمرش چهل و دو سال و ششما بود بقولی و مدت خلافتش تقریباً نه سال و هفتما مدفنش بر سر درواز ه صغیر دمشق بعت کردند مردم با سلیمان بن عبدالملک برادر ولید در همان روز و فاث ولید و وزیر عمر بن عبدالعزیز را و اکتشده شدن قلی بن مسلم با هله والی خراسان و مضافات در خراسان و فاث محمد بن اسامه بن زید بن حارثه و عباس بن سهل بن سعد الساعدی امروپا فتح طرطوس بدست عباس بن ولید افریقا و فاث فریه بن شریک حکمران مصر بعبه و فاث فرم را در سال قبل نوشتند و گفته اند فرة و حجاج در یکاه در گذشتند

سده سی و پنجم

سده هجری

اسیانا ولایت نبرد بن مهلب در خراسان از جانب سلیمان بعد از آنکه نه ماه و کیچ در خراسان ولایت داشت با حکم سلیمان زبان رسمی دولتی و ملتی در تمام مالک مشرق اسلام زبان عربی خواهد بود بعضی انواقعه را بولید نسبت داده اند و فاث موسی بن نصیر بقولی امروپا اکتشده شدن عبدالعزیز بن موسی بن نصیر که پد رشا و والی اندلس کرده بود گویند عبدالعزیز بن زوجه رودریک (رذریق) پادشاه اسپانیا را نیزه گرفتند بود او شوهر خود را برسمی که معمول ملکی بود بران داشت که ناجی از طلا و جواهر ساختن بر سر گذاشت سلیمان را اینمغیر ناخوش آمد و بر او شوریدند و او را بکشتند برخی گفته اند چون سلیمان بر موسی بن نصیر غضب کرد حکم بکشتن عبدالعزیز کرده او را در مسجد بکشتند و سر او را بر سلیمان فرستادند و سلیمان ان سر را برای موسی فرستاد به حال پای اعراب را اسپانیا شهر کرد و شد عزیمت بن سلیمان بن عبدالملک بقسطنطنیه برای عز و رفتن عمر بن حبیره بغزو روم از طرف بحر باب شد و گر او در دوم در امروپا عز کردن سلیمان بن عبدالملک عبدالله بن موسی بن نصیر را از افریقیه و نصب محمد بن یزید فرشته بجای او

که در این

که در این عمل بود تا خلافت عمر بن عبدالعزیز که غزل شد و اسمعیل بن عبدالله که مرد بنکوستی بود بجای او نصب آمد

سده هجری

سده سی و ششم

مهر خیز چنان

اسپاه حاکم سلیمان بنی مکتب تربل و در مرج دابق واقعه افتاد و در این محل و مأمور کردن مسلم برادر خود را بشکر کشیدن بجای نب فسطاطینه فرستادن بزید بن مهلب را خراسان لشکری هزار بطرف جرجان و طبرستان و بعضی اهل این ولایت بالشکر بفرستاد و فسطاطینه و طبعان اهل جرجان پس از صلح و محامه کردن فستون بزید اهل جرجان را و نظیره کردن بر آنجا بعد از هفت ماه کویست بزید و طبعان اهل جرجان هم خورد که این بار چون بر این جماعت غلبه کم از خون آنها بیا بگردانم و از آرد اسپاطی خودم و چنانکه گفته بودم و چهل هزار نفر از اهل جرجان بکشت و شهر جرجان را او بنا کرده است فتح حصان را از زمین که تره یک بلبله محمد ملک عربستان نژاد محل است بدست عساکر اسلام زلزله شد و در غالب ریح مسکون که شش ماه طول کشید

سده هجری

سده سی و هفتم

اسپاه وقت سلیمان بن عبدالملک در ماه صفر که خلافتش در حال رونق و پیروزی بود در دابق از خالد بن ولید در گذشت خلافت عمر بن عبدالعزیز که در زمان خلافت خود ستیامر المؤمنین علی بن ابی طالب را از سوی مشرک ساخت طبعان اهل کد در آذربایجان و کشتن جماعتی از مسلمین و فرستادن عمر بن عبدالعزیز حاکم بن نعمان با اهل دابق آن مملکت و قتل کردن نعمان در آذربایجان عزیمت کردند عمر بن ابی مهلب را از عراف مرو یا کویست چون سلیمان بن عبدالملک برادر خود مسلم را با جنگ فسطاطینه کرد و لشکر نام از طرف آذربایجان با او پیوست با مسلم فسطاطینه رفت و بر اهل دابق و فسطاطینه را محاصره کرده اسپاطی نامی یافت اهل فسطاطینه چون خود را مناسبت دیدند با لشکر مواضع عمده گفتند اگر فستون عرب را دفع کنی تو با سلطان خود تا نیم لشکر از او و لشکر اسلام را بر آکنده ساخت و کار مسلمانان بسختی کشید و مسلم برین مقصود بازگشت و چون خبر سلیمان رسید از غصه هلاک شد بعضی گفته اند بدی هو او قوت بحر عفتون فسطاطینه مانع از مسالمت غلبه او بر فسطاطینه کرد بدیه حال لشکر اسلام بدون پیشرفت در این سال از آن خود و بازگشتند بعضی بعضی عمر بن عبدالعزیز خود متوجه انظرین گردید مسلم را مراجعت داد سلطنت لغت سیم در فسطاطینه

سده هجری

سده سی و هشتم

اسپاه خروچ شوزب که اسم او بسطام و از بنی شکر بود در جوخی که قریه است افعال واسط و فرستادن عبدالحمید والی کوفه حکم عمر بن عبدالعزیز بن محمد بن عبداللّه بطول با دو هزار نفر بمداغاف و نوشتن عمر تا به شوزب از جهت خروج او پرسید و اظهار داشت که قبل از خونریزی نزد عمر آید و مباحثه نماید و هر یک بر حق باشند امر او را باشد و قبول کردن شوزب و فرستادن دو نفر از نزد عمر و مباحثه عمر با آنها و ملزم شدن یک از آنها و انکار دیگر و محمد بن حمر در مقابل خوارج بود و هیچ شخص هم نشده منظر معاودت در سولان بودند طلبیدن عمر بن عبدالعزیز بزید بن مهلب را از خراسان و آمدن او بصره در حالتیکه پسر خود محمد را در خراسان بجای خود بر فرار کرده و فرستادن عدی بن ارملة موسی بن الوجب بن حکم عمر بزید را مفلو لا ترد او و جلیس کردن عمر و را بجهت آنکه مبلغی که باید به بیت المال ایضا نماید نموده و بزید در جلیس عمر بن عبدالعزیز بود تا وقتیکه آمد ای دعوت بنی عباس که محمد بن علی بن عبدالله بن عباس هفتاد نفر را با عصا فرستاد تا برای او بیعت بکنند و خود در شراه و حمیه که جایکامی است مشغول و مدینه بفرستاد خود دعوت عمر ملوک هند را با اسلام و قبول کردن بیعت بنی زاهر ای دعوت را بجهت حسن پیشبرد و مأمور کردن عمر بن عبدالعزیز بن عمر بن مسلم برادر قیس را با این سرحد

و جنگ کرد عمر بن مسلم در بعضی مواضع هند و ظفر یافتن او و ملوک شدند در خلافت عمر بن عبدالعزیز و نیز پسر عبد الملك
بدین اسلام بودند و در عهد هشام بن عبدالملك مرید شدند و فاطمه ابوطیفل عامر بن وائله عیبه و این آخر شخصی است که از
صحابه فوت شد

۷۱۹ مسیحی

سند عجمی

اسپانیا در خلافت عمر بن عبدالعزیز در ماه رجب در پارسیمان پاد در خاصر که شهر عیاز شام و از اعمال حلب است در سی سالگی
تقریباً که مدت خلافتش دو سال و پنجاه بود و بعضی عمر را چهل سال نوشته اند و از سپهرها عمر در قدک است
فاطمه فرزند پسر مهلب از حبس در حین اشتداد مرض عزرا ترس پسر پسر عبدالملك و رفتن با غلامان خود بطرف بصره
خلافت پسر پسر عبدالملك کشته شدن شود بخارجی و بعد او پس از چندین جنگ و دلیریها بدست لشکر که مسلم بن
عبدالملك با سر پسر پسر عبدالملك از کوفه بقتال و فرستاده بود و فاطمه محمد بن مروان بن حکم که والی جزیره و ارضیه و ذریاب
بود وجود پسر پسر مهلب باهل بصره و اسما الثانیة و عامل کردن مروان بن مهلب برادر خود را بصره و رفتن پسر پسر طرف
واسط فرستادن پسر پسر عبدالملك برادر خود مسلم و برادر زاده خود عباس بن ولید را با هشت هزار مرد جنگی بطرف
عراق و فاطمه سعید بن ابی اسحاق که یکصد و بیست و هفت سال عمر کرده بود فوت رسید بن حراسان و اهل در کوفه افریقا
عزرا اسمعیل بن عبدالله از حکمران افریقیه و عقب پسر پسر ابی مسلم کاتب حجاج بجای او که در این حکومت باقی بود تا
کشته شد

۷۲۰ مسیحی

سند

اسپانیا مغانله پسر پسر مهلب با مسلم بن عبدالملك در حوالی انبار و کشته شدن او و جدیت محمد از بنی الهلب و غلبه
مسلم و فرار مفضل بن مهلب بطرف واسط و جمع کردن جمعی در بصره و رفتن از راه دریا بکربان و مغانله کردن در آن
با عساکر پسر پسر عبدالملك و مغلوب شدن و مفضل شدن مفضل و مروان پسران مهلب و لایق مسلم بن عبدالملك
در کوفه و بصره و خراسان و لایق سعید بن عبدالعزیز بن حرث بن حکم بن ابی المعاصر و لایق مسلم از جانب او در خراسان و
چون سعید بن مسلم مایل بود بخدمت معروف شد یعنی بانوی خانه و لایق شعبه بن طهر خلیفه در سر فند از جانب سعید
والی خراسان تعذیب سعید عمال پسر پسر مهلب را در خراسان از روی بهانه جوئی چنانکه بعضی در شکنجه عمر بدست سعید
کردن پسر پسر عبدالملك برادر خود هشام را و بعد از آن ولید پسر خود را که در این وقت نابالغ بود عبور سعید
از چین و رفتن بطرف سغد بزم جنگ کوفت چون مسلم والی خراسان و عراق شد از خراج این ولایت چیزی
بپسر پسر عابد بن سناخت و نیز پسران غزل او حیا میکرد لهذا بهانه ملاقات او را بخواست چون او از عراق حرکت کرد
پسر پسر عمر بن هبیره قرازی با بچا پاری عراق فرستاد فرستادن هبیره داعی عباس بن مروان در عراق ماموری چند روزی
بخاری خراسان که برای محمد بن علی بن عبدالله بن عباس از مردم بیعت بگیرند جنگ عمر بن هبیره در نواحی ارضیه و این
قبل آن بود که عمر بجای مسلم والی کوفه و بصره و خراسان شود و فاطمه مفسر در خراسان امر پسر عساکر عرب
ببرداری زمانا می بخاک فرانسه رود کرده در حوالی شهر تولوز (اود) نامی از نجای مملکت شکست فاحشی با آنها
داد و سردار عرب کشته شد در حکومت همین شخص بود که فضلاء زیاد در شهر کرد و از بلاد اسپانیا جامع شدند
افریقا بعد پسر پسر مسلم عامل افریقیه شوریدند بر او و کشتن او و عریضه معذرت نوشتن پسر پسر عبدالملك
و پسر فتنه عذر را بنهار او ولایت محمد بن سعید در افریقیه و بعضی این واقعه را بسال قبل نسبت داده اند